

الله الرحمن الرحيم



## علامه شهيد واعظ؛ اسوهی تقوا، علم، جهاد و سياست

---

ناشر: مجمع فرهنگي بقية الله (عج)

نویسنده: سيد جعفر عادلی «حسينی»

صفحه آرا و طراح جلد: سيد عباس حسينی

تیراژ: ۲۰۰۰ جلد

چاپ: مطبوعه اعتصام

نوبت چاپ: اول

سال چاپ: زمستان ۱۳۹۳

قیمت: ۷۰ افغانی

حق نشر و طبع محفوظ می باشد.

---

مجمع فرهنگي بقية الله (عج): ۰۷۹۹۱۷۰۹۵۱ - ۰۷۸۶۱۵۳۰۷۰ - ۰۷۶۶۱۵۳۰۸۰

[asreantezar@yahoo.com](mailto:asreantezar@yahoo.com)

# علامہ شہید واعظ؛

اسوہی تقوا، علم، جہاد و سیاست

سید جعفر عادلہ «حسینے»

## فهرست

- ۵..... چکیده
- ۸..... مقدمه
- ۱۳..... رسالت دینی علامه شهید واعظ<sup>(ره)</sup>
- ۲۰..... داستان جالب و آموزنده از مرحوم شیخ قربانعلی<sup>(ره)</sup>
- ۲۵..... رسالت فراگیر و نماد همبستگی اسلامی
- ۲۹..... سیاست مدار و خبیر به مسائل روز
- ۳۱..... راهکارهای تحقق عدالت اجتماعی
- ۳۳..... مقام و جایگاه زن در اسلام
- ۳۵..... دموکراسی از لحاظ آرای مردم
- ۳۷..... ابعاد شخصیتی علامه شهید واعظ<sup>(ره)</sup>
- ۴۰..... دیدگاه بزرگان درباره علامه شهید واعظ<sup>(ره)</sup>
- ۶۸..... تألیفات و آثار قلمی علامه شهید واعظ<sup>(ره)</sup>
- ۷۰..... شاگردان علامه شهید واعظ<sup>(ره)</sup>، پیشگامان جهاد فرهنگی
- ۷۲..... چگونگی شهادت علامه واعظ<sup>(ره)</sup>
- ۸۰..... پی نوشت ها
- ۸۷..... سروده حجت الاسلام و المسلمین سیدعلی مرتضوی
- ۸۹..... شرح حال نویسنده
- ۹۲..... معرفی مجمع فرهنگی بقیه الله<sup>(عج)</sup>
- ۹۴..... تصاویر

### چکیده:

در این مقاله، نگاه مختصر و گذرای خواهیم داشت به شخصیت معنوی، علمی، سیاسی و جهادی حضرت آیت الله العظمی شهید سید محمد سرور واعظ<sup>(ره)</sup> تحت عنوان «علامه شهید واعظ؛ اسوه‌ی تقوا، علم، جهاد و سیاست».

بی تردید، علامه شهید واعظ<sup>(ره)</sup> از پیشقراولان مبارزه، روشنگری، تعهد و تدین بوده که هم او یکی از علمای پیشتار در صحنه‌های گوناگون فرهنگی، اجتماعی و سیاسی در کشور بوده است.

ایشان شخصیت مبتکر و توانمند علمی بود که باب تألیف در سدهٔ اخیر تاریخ افغانستان به دست او فتح و در نشر آثار علمی پیش قدم شده است. علامه‌ی مجاهد، شهید عارف، خطیب وارسته، مدرس کم‌نظیر، نویسنده‌ی فعال و خوش قلم، مجتهد راستین، سرور و سالار علما و شهدای افغانستان، از عالمان فرهیخته و عالی مقام جهان اسلام در عصر حاضر است که در دامان خانواده‌ی مذهبی و علمی از دودمان امامزاده سید یحیی (مشهور به شاه قلندر)<sup>(۱)</sup> چشم به جهان گشود. او در آغوش گرم پدر متدین و اهل تقوی و علم، مرحوم سید حسن رضا دوره‌ی کودکی و جوانی را سپری نمود. دروس ابتدایی را در محضر علمای طراز اول منطقه و کابل در آن روزگار، همچون مرحوم حاج آقا سید مصطفی و حجة‌الاسلام مرحوم سید محمد عیسی فارسی سپری نمود. در آن روزگار، در کجاب بهسود دو نفر بعنوان استاد ادبیات عرب مشهور بودند، یکی آقای فارسی که علامه شهید واعظ<sup>(ره)</sup> صرف و نحو را نزد

ایشان خواننده بود و دیگر مرحوم حجة الاسلام سید اسماعیل آخوند(پدر) مرحوم آیت الله سید محمد تقی وحیدی) بود.

همچنین علامه شهید واعظ<sup>(ره)</sup> در محضر آیات عظام؛ مرحوم حجت کابلی<sup>(ره)</sup>، مرحوم شیخ زمان نقشی<sup>(ره)</sup> و مرحوم شیخ محسن نقشی<sup>(ره)</sup> تلمذ نمود. بعد از مدتی اقامت در کجاب و کابل، جهت تکمیل دوره‌های علمی و فراگیری بیش‌تر معارف و آموزه‌های اسلامی، راهی کشور عراق و حوزه علمیه نجف اشرف گردید و در پرتو تابش نور ولایت مولی امیرالمؤمنین<sup>(ع)</sup> به مدت ده سال در بزم تدریس آیات عظام؛ مرحوم سید محسن حکیم<sup>(ره)</sup> و مرحوم سید ابوالقاسم خویی<sup>(ره)</sup> کسب علم نمود.

با همت بلند و توفیقات سرشاری که شامل حالشان بود در مدت زمان کوتاه از شاگردان طراز اول آیات عظام حکیم و خویی<sup>(ره)</sup> گردید که از هم‌بحث و هم‌طرازهای ایشان می‌توان به آیات عظام؛ شهید سید محمدباقر صدر<sup>(ره)</sup>، مرحوم شیخ کاظم تبریزی<sup>(ره)</sup> و مرحوم علامه فضل الله<sup>(ره)</sup> اشاره نمود.

در اثر درخشش و استعداد سرشار این عالم جید و زحمتکش بود که از میان آن جمع، فردی اولین و بهترین تقریرات خارج اصول مرحوم آیت الله العظمی خویی<sup>(ره)</sup> را به حوزه‌های علمیه تقدیم نماید تا به عنوان کاربردی‌ترین و بهترین متن برای دروس خارج اصول جا باز کند. بر اساس فهم خبرگان فن، اگر ایشان در قید حیات می‌بودند، در حال حاضر، از مراجع اعلم و طراز اول جهان اسلام بودند.

علامه شهید واعظ<sup>(د)</sup> در حوزه‌های علمی و جامعه‌ی اسلامی به عنوان مفسر، محدث، روشنگر، کارشناس مسایل دینی، دانشور تاریخ اسلام، مشاور اجتماعی مردم، مربی اخلاق، راهنمای سلوک عرفانی و معنوی و اصلاحگر اختلافات مردم می‌شود تعریف کرد.

ایشان در زمره‌ی چهره‌های برجسته و از منادیان معروف و بنیانگذاران اقدامات خیریه و عام‌المنفعه، مبارز نستوه با استعمار خارجی و بیداد داخلی، معلم دروس دینی، عربی، فقه و بینش اسلامی مطرح بود. علامه شهید واعظ<sup>(ه)</sup> با تلاش، صداقت، دانشوری، حق‌محوری، مردم‌داری، تعهد، شب‌زنده‌داری و فداکاری در راه آموزش، پژوهش، تبلیغ، برنامه‌ریزی و کوشش برای گسترش اندیشه قرآنی و اجرای قوانین قرآن و سنت و تفکر عترت<sup>(ع)</sup> از هیچ کوششی دریغ نکرده است.

بی‌چون و چرا، علامه شهید واعظ<sup>(و)</sup> بخشی از تاریخ کشور اسلامی افغانستان است، و نمی‌توان با سکوت از کنارش گذشت، سکوت درباره‌ی او سانسور تاریخ است و نادیده‌گرفتنش، نشانی از نابینایی و هم‌عدم درک جایگاه آن فقیه وارسته، جفاییست به کارنامه‌ی درخشان علمی و مبارزاتی آن عالم سترگ و بیدارگر!

### واژگان کلیدی:

کلید واژه‌ها: علّامه، شهید، سید محمد سرور، واعظ، دین، تقوا، علم، جهاد، سیاست، عدالت.

### مقدمه

در تاریخ اسلام کسانی بوده اند که پس از یک دوره ی خلاء بزرگان علمی، ظهور کرده و توفیق یافته اند تا در عرصه های مختلف و به طور همه جانبه، خدمات چشمگیری را به جامعه اسلامی ارایه نمایند، از طرفی در عرصه ی فقه و اصول برتری علمی یافته و به جایگاه زعامت و مرجعیت والا تکیه زده اند.

از میان علمای خدوم جهان اسلام که چنین مقامی را دارا بوده، به شیخ طایفه یعنی استاد بزرگ حوزه علمیه، مرحوم شیخ طوسی<sup>(ره)</sup> اشاره کرد که وی خشت نخست تأسیس حوزه ی علمیه ی دینی نجف اشرف را در جوار حرم حضرت امام علی<sup>(ع)</sup> بنیاد نهاد، تا خدمت به دین و تعلیم امت اسلامی به برکت علوم آل رسول<sup>(ص)</sup> و انتشار فقه اهل بیت<sup>(ع)</sup> با بیان احکام شرع و تربیت مردم به شیوه ی پسندیده و اخلاق رفیع اسلامی، ادامه داشته باشد.

بعد از شیخ طوسی مراجع دیگری زحمات شیخ را در راستای انجام این رسالت مقدس ادامه دادند، هر یکی از این فقها و دانشمندان، ویژگی ها و خصوصیات خود را دارند که از معاصران و هم طرازان خود از نظر رفتار و خدمات شایسته ی که ارایه داده اند، متمایز می گردند، با در نظر داشت این نکته که همه در پی تحقق هدف مشترکی بوده اند که همانا خدمت به دین و مذهب و انتشار علم و دانش و سعادت انسان در دنیا و آخرت باشد، و بسیاری از این مراجع و دانشمندان، ظلم حکام ستم پیشه و پیروان آن ها را تحمل نموده اند، اما هر کدام در این ستم و مظلومیتی که بر خود



و خانواده‌ی آن‌ها از قتل و زندان گرفته تا دیگر انواع شکنجه‌ها روا داشته شده و تحمیل گردیده است، ماجرای خاص خود را دارد.

بی تردید پس از شیخ طوسی<sup>(ره)</sup> کسی که زعامت حوزه علمیه نجف اشرف را عهده دار گردید، سیدالفقها والمجتهدین، استاد بزرگوار و پیشوای فقهای عصر حاضر، حضرت آیت الله العظمی سید ابوالقاسم خویی<sup>(ره)</sup> بود.

او که در همه‌ی علوم حوزوی استاد درجه اول و کم نظیر شد، ملقب به مجدد و احیاکننده آن گردید و ابتکارات و نوآوری‌های ایشان در کتب به جای مانده از ایشان درج و همچنین از تقریرات درس‌های ایشان که توسط شاگردانش تقریر شده باید یادکرد که جامع‌ترین و کامل‌ترین و منقح‌ترین آن‌ها، تقریرات شهید آیت الله العظمی شهید سید محمد سرور واعظ<sup>(ره)</sup> بنام «مصباح الاصول» است که در ۴ جلد تدوین شده و تاکنون چندین بار آن را به زیور طبع آراسته اند.

مرحوم حضرت آیت الله خویی<sup>(ره)</sup> علاوه بر کارنامه‌ی جهاد و اجتهاد علمی، زعامت و مرجعیت را در بدترین دوره و مصیبت‌بارترین زمان (از ابتدای تاریخ حوزه نجف اشرف تا آخر حیات پربرکتش) برعهده داشت که فشارهای خارجی و داخلی برحوزه علمیه نجف در نهایت خود رسیده بود و ایشان به رغم چنین دشواری‌ها، تمام توان خود را در حفظ استقلال حوزه و مصالح جامعه تشیع بکار برد تا حوزه تاریخی نجف همچنان خورشید درخشان در آسمان فقه و فقاهت نورافشانی داشته باشد.

حضرت آیت الله خویی<sup>(ره)</sup> در روش بحث و درس، ممتاز و وصف‌برانگیز بود و بیش از ۷۰ سال حلقه درس و بحث را گرم و پر حرارت به سامان

رساند و هزاران فقیه، استاد و طلبه‌ی با استعداد در حیطه‌ی علوم دینی پرورش داد و هم راهی کشورهای مختلف و از جمله؛ سوریه، لبنان، بحرین، کویت ایران، پاکستان، هند، افغانستان و سایر کشورهای شرق آسیا و آفریقا... گردید.

در واقع می‌توان گفت که بیان مقامات علمی و خدمات اجتماعی و اسلامی آن استوانه علم و تقوای، خارج از توان ماست که هزاران عالم و دانشمند اسلامی، در محضر این فقیه عالیقدر جهان اسلام تلمذ و صدها مجتهد و مرجع تقلید و زعیم حوزه از شاگردان ایشان هستند که یکی از آن شخصیت‌های بارز علامه شهید واعظ<sup>(ره)</sup> می‌باشد.

علما در افغانستان از نقش مهم و تعیین کننده‌ای برخوردارند و مردم عموماً، در پای منبر علمای اهل تبلیغ حاضر شده و با دقت به حرف‌های آن‌ها گوش داده و از نفوذ کلام آنان لذت می‌برند. اما مردم بیشتر به آن دسته از علمای آگاه و دانشمند، پرهیزگار و خدمتگذار که برای خدمت به مردم آزمون‌های خوبی داده، ارادات و اعتماد ویژه‌ای دارد و سخنان آنان نیز تا هم‌اکنون، بیدارکننده و روشنگرانه بوده است.

در این نوشتار سعی بر آنست تا برخی تلاش‌های علامه شهید واعظ<sup>(ره)</sup> در حفظ هویت دینی و فرهنگی مورد بررسی قرار گیرد و هرچند برای نگارنده بسی مشکل و دشوار هست که بتوانم درباره‌ی شخصیت یکی از مفاخر حوزه‌های علمیه و از بزرگان فقه و فقهات و دانشمندان جهان اسلام، خطیب و استاد با تجربه و چیره‌دست و محقق عظیم‌الشان، علامه

شهید واعظ<sup>(ره)</sup>، با نگاه به تمام زوایای زندگانی و خدمات آن فقیه فرزانه بحث و بررسی جامع و همه جانبه ارائه نمایم. اما از باب این که با فراخوان مقاله، از سوی نمایندگی شورای علمای شیعه افغانستان در حوزه علمیه قم، به مناسبت برگزاری «همایش اندیشه های حضرت آیت الله العظمی شهید واعظ بهسودی<sup>(ره)</sup>» در حوزه علمیه قم، فرصتی میسر است، من نیز در حد توان و امکان کوشش خواهم کرد تا سیره‌ی این شخصیت کم‌نظیر عصر حاضر و یکی از بزرگان جهان اسلام را بررسی و برخی از ویژگی های شخصیت معنوی، علمی، پژوهشی، سیاسی و جهادی کشور در عصر حاضر را شرح دهم و این شرح حال با استفاده از آنچه که تاکنون درباره‌ی ایشان خوانده و یاشنیده‌ام و نیز با استفاده از آنچه اخیراً از اندوخته های ذهنی هم‌عصری‌ها و شاگردان علامه شهید واعظ<sup>(ره)</sup> دریافت کرده‌ام (مصاحبه‌ی حضوری نگارنده با برخی شخصیت‌ها) ترتیب یافته است.

ذکر این نکته به جا است که: متأسفانه بنا به دلایلی، به نظر می‌رسد نسبت به بزرگانی مانند علامه شهید واعظ<sup>(ره)</sup>، ستم و بی‌انصافی روا داشته شده است. اکنون که بیش از سه دهه از شهادت شان می‌گذرد، تاکنون مراکز علمی و فرهنگی کشور، مخصوصاً حوزه های علمیه که امروز صدها تن اهل علم از آثار علمی وی بهره‌مند می‌گردند، جایگاه ایشان و دیگر بزرگان کشور از سوی هیچ نهاد علمی و فرهنگی و حتی در حوزه های علمیه تجلیل بعمل نیامده و همچنان آنان برای بسیاری از مردم ناشناخته باقی مانده و این در حالی است که این بزرگان، علی‌رغم همه‌ی دشواری

ها و تحمل مشقات، با کمال تواضع و اخلاق شایسته و رعایت زهد و تقوی و به دور از جلوه‌های زودگذر زندگی مادی، آثار و خدمات عظیم و چشم‌گیر علمی را به بار آوردند که این حجم عظیم از خدمات با توجه به این مشکلات، شگفت‌انگیز و شایان تقدیر است.

در پایان مقدمه از برگزار کنندگان این همایش، بویژه نمایندگی شورای علمای شیعه در قم کمال تشکر و سپاسگذاری را دارم.

### رسالت دینی علامه شهید واعظ<sup>(ره)</sup>

وقتی انسان وارد صنف علمای اسلام و متعهد می‌شود و جریانی که از پیامبران به پیامبر اکرم<sup>(ص)</sup> و از آن حضرت به ائمه طاهرین<sup>(ع)</sup> و به علمای عامل رسیده و بدین جهت است که علمای فقیه، امانت‌داران پیامبر خطاب شده است: «الْفَقَهَاءُ اِمْنَاءُ الرَّسُولِ» امانت همان محتوای رسالت است که همراه علم و تعهد به عالم دینی می‌رسد و عالم دینی باید در نشر و تبلیغ محتوای رسالت تلاش کند و با حضور خویش در عرصه‌های دینی و فرهنگی تاثیرگذار باشد و در جای دیگر به این قشر آگاه خطاب شده است: «انَّ الْعُلَمَاءَ وَرَثَةُ الْاَنْبِيَاءِ»، عالمان وارثان پیامبرانند؛ یعنی ارثی که پیامبران باقی گذاشته‌اند نزد علمای دینی است.

در طول تاریخ طبقه‌ای از علمای اسلام که در حفظ دین مسئولیت داشته و ایفای نقش نموده‌اند، طبقه‌ای بوده‌اند که با ابزارهای عقلانی و استدلالی، فلسفی، کلامی به حفظ دین اسلام، همت نموده‌اند، علمایی همچون ابن هشام، خواجه نصیر طوسی، میرداماد، ملاصدرا، بروجردی، آیت الله العظمی خویی، امام خمینی، علامه طباطبایی، حجت کابلی، شهید صدر، شهید واعظ، شهید افشار، شهید بلخی، شهید مطهری، مرحوم بهشتی، مرحوم فاضل و... بوده‌اند.

این عالمان دینی، باتقوا محوری توانسته‌اند کارکرد مثبت داشته باشند، عمل به واجبات و احکام شرعی بعنوان تکلیف فردی و حقوق اجتماعی که اجزای پدیدآورنده و ارکان و ساختار تقوا هستند، به مردم و رگه‌های اجتماعی مثل واکسن‌های ضد میکروب، تزریق شده و در فرایند فرهنگ

سازی، فرهنگ غالب و چهره و نمای ظاهری فرهنگ دینی را شکل داده اند.

از میان علمای جهان اسلام، علمای افغانستان نیز به تمام معنا و با تمام همت خویش از دین حفاظت و هویت دینی را از هر گزند پاسداری نموده‌اند، هر جا احساس می‌شد، شبهه‌ای نسبت به حریم اسلام و اصول مسلم آن وارد می‌شود، علما دست به قلم شده و یا زبان به سخن گشاده و با روش معقول، از اساس دین دفاع نموده‌اند. نمونه‌های برجسته از این حرکت‌ها که در راستای دفاع و اهتمام برای حفظ دین و دینداری و دین محوری بوده در تاریخ بی‌شمار است.

لذا رسالت دینی علماء منحصر در یک بُعد از ابعاد مختلف دین نیست، بلکه رسالت آنها همه جانبه است، اختیارات علمای اسلام و رسالت آنها دقیقاً در طول رسالت و مسئولیت ائمه است. امروز همه علمای اسلام نسبت به رسالت خویش در راه حفظ دین و در قبال امت اسلامی مسئولیت دارند و هر کدام در اندازه توان خود، مسئول حفظ دین اسلام است، بر اساس همین احساس و مسئولیت است که پیامبر اکرم (ص) می‌فرماید: «اذا ظهرت البدع فی امتی فلیظهر العالم علمه. فمن لم یفعل فعلیه...»؛ (۲) هر گاه بدعت‌ها در میان امت من ظاهر شود برعهده عالمان است که علم خود را آشکار کنند و با بدعت‌ها به مبارزه برخیزند تا مردم از بدعت‌ها آگاهی یافته و اغفال نشوند، در راه مبارزه با بدعت‌ها و امر به معروف و نهی از منکر بسیاری از علمای افغانستان از جان خویش گذشته و در راه زدودن بدعت‌ها، خود جهاد نموده و حکم جهاد داده‌اند.

علامه شهید واعظ<sup>(ره)</sup> حدود ۳۸ سال قبل در سخنرانی‌اش راجع به مسئولیت و رسالت علما چنین اظهار می‌نمایند: «عالم کسی است که فعل او شاهد گفتارش باشد، اگر مردم عالم دینی را از عمل به آنچه می‌گویند، دور دیدند، آثار زیانباری به دنبال خواهد داشت، اگر عالم اهل عمل نباشد، خداوند نفوذ کلام او را از بین می‌برد و نمی‌تواند مردم را به سوی حق هدایت و از زشتی‌ها باز دارد و این امر گاهی به دلیل بی‌روح بودن کلام فرد بی‌عمل است و گاهی به جهت شناخت مردم از عالم بی‌عمل. هنگامی که مردم عالمی را دنیا دوست و مادی احساس کردند، اگر از دوری دنیا سخن بگویند، همه در دل، او را مسخره می‌کنند و چنانچه حضرت امام جعفر صادق<sup>(ع)</sup> می‌فرماید: «إِنَّ الْعَالِمَ إِذَا لَمْ يَعْمَلْ بِعِلْمِهِ زَلَّتْ مَوْعِظَتُهُ عَنِ الْقُلُوبِ كَمَا يَزِلُّ الْمَطْرُ عَنِ الصَّفَا؛ (۳) همانا اگر عالم به علم خود عمل نکند، مواعظ او از قلب‌ها می‌گذرد [و در آن نفوذ نمی‌کند]؛ همان گونه که آب باران از سنگ غیرقابل نفوذ عبور می‌کند.» و از مهم‌ترین حالات خدایپسندانه عالمان دینی، آن است که اعمال و کردارشان مردم را به حق و پرهیز از گناه دعوت کند. اگر عالم و واعظ اهل عمل بود، مردم نه تنها به او بلکه به عالمان دینی گرایش یافته و زمینه هدایت آنان فراهم می‌گردد.

اگر عالمی در این زمان و شرایط خفقان به فکر زندگی شخصی خود باشد و یا انجام رسالت خویش را منتظر کمک مربدانش بگذارد، به خدا قسم اگر او عالم باشد [عالم نیست] و نماز پشت سر او جایز نیست.

ای علمای اعلام! هرچند که طلبه فقیر و بی بضاعت است، ولی در شرایط فعلی که قرآن و دستورات دین در جامعه غریب شده و اسلام به خون غوطه‌ور است، در چنین شرایط، اگر عالم برای لقمه نانی و یا تامین زندگی شخصی‌اش سرگردان باشد و بدون تردید، در چنین وضعیتی این گونه علما، موفق به ترویج دین و قیادت نمی‌شوند.

ای علما و ملت مسلمان شما که امروز اینجا آمده اید تا از مکتب امام حسین<sup>(ع)</sup> درس بگیرید، حضرت امام حسین<sup>(ع)</sup> می‌فرماید: «أَلَا تَرَوْنَ أَنَّ الْحَقَّ لَا يَعْمَلُ بِهِ وَ أَنَّ الْبَاطِلَ لَا يَتَنَاهَى عَنْهُ؛ آیا نمی‌بینید که به حق عمل نمی‌شود و از باطل جلوگیری نمی‌گردد؟» سپس آن حضرت می‌فرماید: «لِيرْعَبَ الْمُؤْمِنُ فِي لِقَاءِ رَبِّهِ حَقًّا، فَإِنِّي لَا أَرَى الْمَوْتَ إِلَّا سَعَادَةً وَ لَا الْحَيَاةَ مَعَ الظَّالِمِينَ إِلَّا بَرَمًا.»<sup>(۴)</sup>

علمای کرام و اهل علم، راه تبلیغ و ترویج دین همین است، هرکسی به حساب دین می‌آید، ظلم و ستم را بپذیرد و در این راه، نباید از مردم انتظار قدردانی را داشت و من بشما وعده می‌دهم، اگر عالمی رسالت خود را به درستی انجام دهد خدای متعال و پیامبراکر<sup>(ص)</sup> از آن عالم تقدیر می‌کند.

اگر عالمی در چنین شرایطی به فکر آباد کردن دنیای خود باشد، من باشم و یا هرکسی دیگری، به ترویج دین موفق نمی‌شود.

ای مسلمانان! من مهیا هستم مرا نترسانید، خدایا برسان آن روزی را که من در راه اسلام به خون خود، غوطه‌ور گردم، کسانی که خود را مسلمان می



دانند و در این روزها خود را به درد اسلام شریک و دردمند نمی‌دانند، قطعاً مسلمان نیستند، امروز روز حساسیت دین است!»

شهید علامه واعظ<sup>(ره)</sup> در بخش دیگر از این سخنرانی‌اش، تقویت روحیه ناسیونالیستی و نژادگرایی را از شیوه‌های استعمارگران می‌داند و می‌گوید: «همبستگی امت اسلامی، همه‌ی نژادها و امت‌ها را در برمی‌گیرد و نباید تعصبات مذهبی و قومی را دامن زد!

خدایا! در چنین وضعیتی که ملت‌های مسلمان و مملکت اسلام در خطر نابودی هستند، کسانی که تعصبات مذهبی، قومی و نژادی را بنام شیعه و سنی، ترکمنی و غزنی‌چی [غزنوی]، هزاره و قزلباش، نفاق‌افگنی می‌نمایند، نابود و ریشه‌کن نما، و برای اسلام وحدت و اتفاق عنایت فرما!» (۵)

علامه شهید واعظ<sup>(ره)</sup> در راستای رسالت دینی و نشر معارف اسلامی، چه قبل از هجرت به حوزه علمیه نجف اشرف و چه بعد از آن، امانت‌گزارانهای دین و ارزش‌های مقدس را با رنج و تحمل مشقت‌های فراوان با تمام وجود خویش، حافظ و نگهبان بود، اگر خواسته باشیم فهرستی از فعالیت و خدمات ایشان را ارائه کنیم، باید از این‌جا شروع کنیم که:

الف) ایشان در همان اوایل بعد از بازگشت از کابل به کجاب، اولین مدرسه علمیه را تاسیس نمود و سالیان متمادی شیفتگان علم و دانش از محضر اساتید آن حوزه دینی بهره‌مند گردیدند.

مدرسه محمد کجاب بهسود، حدود سال ۱۳۲۸ تاسیس و سال ۱۳۳۱ خورشیدی در آخرین جمعه حضرت آیت الله العظمی واعظ<sup>(ره)</sup> از آنجا

عازم مکه معظمه و نجف اشرف گردید، در سخنرانی‌اش اعلام نمود که بعد از این تاریخ «آیت الله شیخ محسن نقشی» برای طلاب از ادبیات تا رسائل را تدریس، ملاجان قندهاری بعنوان مدیر مدرسه، عهده‌دار مسئولیت خواهد بود و نماز جماعت به امامت سیدخادم حسین عادل اقامه می‌گردد. پس از ختم همین مراسم سخنرانی، مرحوم حاجی محسن خان، آیت الله شهید واعظ<sup>(ه)</sup> را همراه هفتاد طلبه مدرسه محمدیه در منزلش دعوت و فردای آن روز حضرت آیت الله واعظ<sup>(ه)</sup> جهت ادامه تحصیل عازم مکه و از آنجا در حوزه علمیه نجف اشرف حضور یافت.<sup>(۶)</sup>

ب) بعد از بازگشت علامه شهید واعظ<sup>(ه)</sup> از حوزه علمیه نجف اشرف برای سامان بخشیدن به امور طلاب در اولین فرصت، در شهر کابل و منطقه کارته سخی متصل به مسجد بالا (مسجد غزنوی‌ها)، مدرسه‌ای را تأسیس نمود که در همان شرایط ده‌ها طلبه از اطراف و اکناف افغانستان برای کسب معارف اسلامی از محضر این فقیه اهل بیت<sup>(ع)</sup> در آن مدرسه سکنی گزیدند، و آن مدرسه به نام مدرسه‌ی آیت الله واعظ مشهور بود.

ج) بعد از آنکه علامه شهید واعظ<sup>(ه)</sup> از زندان آزاد شد، برای ایجاد پایگاه مستحکم فرهنگی - سیاسی اقدام به ساختن بزرگ‌ترین حوزه علمیه تشیع در افغانستان کرد و مجهزترین پایگاه فرهنگی و اجتماعی برای ترویج و تبلیغ فرهنگ و معارف اهل بیت<sup>(ع)</sup> تأسیس نمود. حوزه مبارکه‌ی محمدیه با ساختمان بسیار زیبا و کم‌نظیر، با بهترین معماری اسلامی و افغانی در دو طبقه با ۳۲ اتاق مسکونی و سه سالن تدریس و مسجدی بسیار بزرگ با گنجایش ۲۰۰۰ نمازگزار، ۵۰۰۰ نفر برای استماع سخنرانی، جایگاه بانوان

با گنجایش ۳۰۰۰ نفر، کتابخانه‌ای با داشتن یک صد هزار جلد کتاب، داروخانه با توظيف دكتور (که معاینه مريض و اعانه دارو بصورت مجاني برای طلاب و محرومين صورت می گرفت) بدست مبارک علامه شهيد واعظ<sup>(۷)</sup> تاسيس گردید. این مرکز دینی نه تنها مورد استقبال مردم مسلمان افغانستان قرار گرفت، که همه ساله توریست‌ها و سیاحان خارجی نیز از آن دیدن می‌کردند. در روز افتتاح این حوزه‌ی بی‌بدیل از تمامی علما، فرهنگیان، سیاسیون و مقامات کشوری و لشکری دعوت به عمل آمد. بزرگانی از علمای اهل سنت و اهل تشیع در این مجلس افتتاحیه سخنرانی نمودند که از آن جمله می‌توان به سخنرانی تاریخی سخنور شهیر و شهيد کشور عالم مجاهد مرحوم سید اسماعیل بلخی، شهيد مولانا محمد ابراهيم مجددی و شهيد خان مولوی اشاره نمود. محفل آن روز با دعای ملکوتی مرحوم آیه الله حجت (اعلی الله مقامه الشریف) ختم گردید.

در این حوزه برای اولین بار به تمامی طلاب تحت پوشش، شهریه‌ی کافی پرداخت می‌گردید و در این مکان مقدس باشکوه‌ترین نمازهای عبادی و سیاسی جمعه برای اولین بار در تاریخ تشیع افغانستان به امامت سرور و سالار شهدا و علمای افغانستان علامه شهيد واعظ<sup>(۷)</sup> اقامه می‌گردید. (۷)

علامه شهيد واعظ<sup>(۷)</sup> شخصیت فرزانه و اندیشمند گرانمایه به عنوان متفکر دردمند و عالم به مقتضیات زمان، در طول حیات فکری خود، تلاشهای فراوانی در حوزه احیای دین، آسیب شناسی عقاید دینی و زدودن تحریفات از معارف و مفاهیم دینی در برابر انحرافات و شبه‌افگنی‌ها با ابزار علم و منطق روشن دین مبین اسلام به مبارزه علیه دشمنان پرداخت و

به خاطر همین روشنگری‌ها مورد غضب و کینه، کینه‌توزان قرار گرفت و در نهایت در این راه به شهادت رسید و اندیشه شهید بزرگوار همچنان روشنی‌بخش است که باید نسل امروز، مخصوصاً تحصیل‌یافتگان حوزه دینی از اندیشه علامه شهید واعظ<sup>(ره)</sup> درس بگیرند و در برابر انحرافات و شبه‌افگنی‌ها با ابزار علم به مبارزه برخیزند.

علامه شهید واعظ<sup>(ره)</sup> علاوه بر تلاش در جبهه علم و تقوا و اجتهاد، کارنامه پربراری از جهاد اکبر و جهاد اصغر دارد و این عالم مجاهد در طول زندگی خود که به حق می‌توان آن را نمونه‌ای از زندگی‌های موفق دانست، هم در صحنه علم و تقوا و ژهد حضور داشته، هم به وظایف خود در صحنه‌های اجتماعی به خوبی عمل کرد، باید رفتار و کردار اخلاقی و دینی او برای حوزه‌ویان الگو باشد که در این بخش به یک داستان آموزنده و جالب از دوران جوانی و طلبگی آن شهید بزرگوار اشاره می‌گردد.

### داستان جالب و آموزنده از مرحوم شیخ قربانعلی<sup>(ره)</sup>

شیخ قربانعلی از دزدان و رهنان معروف منطقه تیزک بود که بعداً توسط حضرت آیت الله واعظ شهید هدایت یافته و از مفاخر و عرفای عصر خود گردید و صفحه‌ی جدیدی در زندگی‌اش باز شد. در همین حال نگارنده مصاحبه اختصاصی در این موضوع با حجة الاسلام والمسلمین حاج سید ناظر حسینی مشهور به ابوالهادی را انجام داده، و ایشان چنین حکایت نمودند:

در دهه چهل، یکی از روزها جناب مرحوم شیخ قربانعلی<sup>(ره)</sup> در «خرید» بهسود، در منزل ما تشریف آورده بودند که مرحوم پدرم، برادرم شهید سیدامین کربلایی و مرحوم عبدالحسین خان، پدر حجّه الاسلام آقای اکرمی نیز حضور داشتند و در ادامه داستان های جالب و شنیدنی مرحوم شیخ قربانعلی<sup>(ره)</sup> از ایشان پرسیده بودند که نتیجه توبه ات چه شد؟

وی در پاسخ گفت که من دزد و راهزن معروف بودم و کارم این بود که خانه پشتون های وردک را سرقت و اموال آنها را تصاحب و سپس در میان فقرای هزاره تقسیم می نمودم. مردم تیزک در محوریت «ارباب نادر» پدر مرحوم «ارباب علی پناه» جمع شدند که عالم و اسلام شناسی را در منطقه تیزک که ۶۰۰ خانواده ساکن هستند، دعوت نمایند، تا مردم منطقه از تبلیغ و بیان معارف دینی و احکام اسلامی بهره مند گردند؛ بناً تصمیم گرفتند که حضرت آیت الله العظمی واعظ شهید را که در آن زمان طلبه جوانی بود، در این منطقه ملا بگیرند، وقتی که متنفذین تیزک آیت الله واعظ را در آن منطقه دعوت نمودند، آیت الله واعظ نیز به درخواست آنها جواب مثبت داد و همچنان گفت که در یک قریه، آخوند و دزد با هم جور در نمی آیند، یا باید قربان توبه کند و یا من ملایی نمی کنم.

در این حال، مردم جمع شدند و از من تقاضا نمودند که اگر ما شرط آقای واعظ را نپذیریم و بدون آخوند باشیم، روز به روز جوانها و مردم منطقه به سوی کارهای خلاف و ضد دینی روی می آورند؛ بناً باید شرط او را بپذیری و توبه کنی تا ما ۶۰۰ خانواده منطقه تیزک از حضور عالم دینی محروم نمایم.

من قبول کردم و آقا آمد در خانه ام و تمام اشیای منزل را رد مظالم داد و بعد از آن، پیشنهاد کرد که نزدیک ظهر شده برویم کنار دریا وضو نموده و برای نماز ظهر آمادگی بگیریم، وقتی کنار دریا رفتیم از من خواست که قربان می خواهی توبه کنی!

من گفتم آری، سپس آقای واعظ<sup>(ره)</sup> گفت: برو داخل آب و خودت را بشوی، رفته داخل آب و بعد گفت که همه لباس هایت را در آب رها کن و من نیز همین کار را انجام دادم. عزیزجان برادر کوچک آیت الله واعظ<sup>(ره)</sup> که دوازده ساله بود، به خانه اش فرستاد که لباسهای آقای واعظ را بیاورد. او لباس های آقای واعظ را آورد و من لباس ها را پوشیدم. آقا از من خواست که قربان، واقعاً می خواهی توبه کنی! گفتم، آری، سپس گفت: پس اذان و اقامه بگو! من اذان و اقامه را گفته و حالا می فهمم که پس از غسل و ذکر شهادتین توبه حقیقی نموده ام.

پس از اذان و اقامه ادای نماز ظهر و عصر، به خانه برگشتیم و خیلی ناراحت بودم که این چه کاری بود که انجام دادم، من اسب سواری و اموال فراوانی داشتم و همه را بخاطر توبه از دست دادم. فردای آن روز به منطقه کُتُب وردک رفته و آنجا با یکی از پشتون های وردک که از جمله دوستانم بود صحبت کرده و از وی تقاضا نمودم که تفنگش را در اختیارم بگذارد تا من به شکار بروم، آن آشنا و دوستم از کارهای من خبر بود، به همین اساس، برایم گفت که تفنگم را می دهم، مشروط به اینکه واقعاً به شکار بروی، در غیر این صورت، حاضر نیستم، تفنگم را بدهم.

من تفنگ او را گرفته به تیزک بازگشتم و در مقابل مسجد دشت تیزک، جایی را برایم انتخاب و در همان‌جا سنگر گرفته و منتظر ماندم که چه وقت آقای واعظ از خانه بیرون می‌شود و به مسجد می‌رود، تا او را از بین برده و دوباره اموالم را به دست بیاورم. از صبح تا شب در کمین بودم، اصلاً آقای واعظ را در آن روز ندیدم، ناگزیر تفنگ را به صاحبش بازگرداندم.

شب در خانه رفتم، همسرم پرسید امروز کجا بودی، جریان را گفتم و او نیز با اصرار زیاد از من خواست که دست از این کار بردار! همسرم به من گفت، خدا به تو توفیق داده تا توسط آقای واعظ توبه کنی و به سعادت برسی؛ اما این تو هستی که کفران نعمت می‌کنی و در مقابل خوبی‌های آن مرد بزرگ، عملکرد نادرست را انجام می‌دهی!

در حال گفت‌وگو بودیم که «عزیز جان» برادر کوچک آیت الله واعظ آمد و گفت که شما دو نفر (زن و شوهر) را آقای واعظ خواسته، و ما نیز به اتفاق هم، به منزل آقا رفتیم. تا دیر شب نشستیم. سه بار مرا آقا به گریه انداخت و سه بار به خنده آورد. سپس یک مقدار وسایل مورد ضرورت اولیه را در اختیار ما گذاشت و ما هم به خانه برگشتیم. فردای آن روز که پنج‌شنبه بود، در دشت تیزک، مراسم سخنرانی برپا بود. آقای واعظ، در این مراسم، مرا نیز به همراه خود برد. مردم نیز با تعجب به ما نگاه می‌کرد و به من خیره شده بودند که این دزد مشهور، چگونه اهل مسجد و مراسم دینی شده است.

آیت الله واعظ سخنرانی نمودند و پس از آن، در خاتمه دعا گفت: مردم، دو خبر به شما دارم، خبر نخستین این‌که، قربانعلی توبه کرده و هرکس بعنوان کمک از وجوهات به حساب ایشان می‌پردازد من رسید آن را می‌دهم و اگر کسانی هستند که سهم سادات بدهکار باشند، به من بپردازند و من به ایشان می‌بخشم، دیری نگذشت که کمک‌های مردمی، سرازیر شد. در حدود یک ساعت، از این جریان گذشته بود که «ارباب‌علی‌پناه» به آقای واعظ خبر داد که دو خروار گندم جمع‌آوری شده است. ارباب به آیت الله واعظ گفت چه کار کنیم، آقا دستور داد که یک خروار آن را بفروشند و وسایل زندگی‌اش را فراهم نمایند و یک خروار دیگرش را آرد نموده و به خانواده‌اش بسپارند.

بعد از این، آیت الله واعظ به من دستور داد که با هم در منطقه سرخ آباد حصه دوم بهسود نزد حاج سید شاه محمد حسین مشهور به حاج آقای کلان جد علامه شهید سید عبدالحمید ناصر می‌رویم. زمانی که آقا و همراهانش به محضر آقای کلان رسیدند، آیت الله واعظ به مرحوم آقای کلان گفت: قربانعلی‌خان دزد و آدم سرشاری بوده و حالا توبه حقیقی نموده و هدایت یافته و به نظر شما ایشان چه کار کند!

حاج آقای کلان دستور داد که او درس بخواند، از میان کتاب‌هایش جامع المقدمات به من داده و گفت از اینجا شروع کن و من پس از آن درس طلبگی را شروع نمودم.

به گفته حجه الاسلام ابوالهادی: سال ۱۳۳۱ خورشیدی آیت الله واعظ به نجف اشرف مشرف شد، حجه الاسلام مرحوم شیخ قربانعلی<sup>(ره)</sup> در تیزک



به عنوان آخوند، ایفای وظیفه می کرد و نماز جماعت را بر پا می داشت و بعد از حدود دو سال امامت در تیزک، عازم کابل شد و در حلقه درسی مرحوم حضرت آیت الله العظمی حجت<sup>(ره)</sup> اشترک می ورزید و مورد عنایت آیت الله حجت نیز قرار داشت و گفته می شود مرحوم آیت الله حجت<sup>(ره)</sup> در تشییع جنازه دو نفر اهل علم از چنداول تا به کارته سخی با پای پیاده در تشییع جنازه اش شرکت ورزیده بود. اول همین شیخ قربانعلی و دومی تشییع جنازه علامه سید انور شاه صدر<sup>(ره)</sup> بود. (۸)

### رسالت فراگیر و نماد همبستگی اسلامی

تهاجم گسترده شرق و غرب به جهان اسلام بازتابهای گوناگونی را در پی داشت، مصلحان و متفکران اسلامی برای رویارویی با این هجوم اندیشه، مسلمانان را به برادری و اتحاد امت اسلامی و همبستگی فرا می خواندند و در راه تحقق این آرمان مقدس بسیار تلاش کردند، یکی از علمای معاصر که در این راه همانند دیگر مصلحان و متفکران اسلامی از اوضاع نابسامان و آشفته جوامع اسلامی و اختلافهای زیانبار مسلمانان رنج می برد، علامه شهید واعظ<sup>(ره)</sup> بود که هیچگاه از این آرمان مقدس چشم نپوشید.

شهید واعظ<sup>(ره)</sup> در دوران حکام مستبد قبل از حاکمیت کمونیست‌ها و یا در زمان بقدرت رسیدن حزب خلق و در واپسین روزهای زندگی زمانی که کمونیست‌ها محل اقامتگاه وی را زیر نظر داشتند، او در سخنرانی هایش مردم شیعه و سنی را مورد خطاب قرار داده و با توجه به موقعیت

بحرانی و حساس افغانستان آنان را به همدلی و یگانگی در برابر استبداد و استعمار فرا می‌خواند.

از آنجایی که علامه شهید واعظ<sup>(ه)</sup> سخنران ماهری بود، در هر حسینیه و مسجد که منبر می‌رفت کوچه و سرک از شدت ازدحام مردم مسدود می‌شد. منبرها و سخنرانی‌هایش تجسم عینی وحدت مردم بود، انبوه جمعیت و استقبال مردم از رهبر دینی‌شان، حکومت آن روز را به تعجب واداشته بود. معروف است که روزی داوود خان (صدر اعظم وقت) سوار بر موتر خود از منطقه‌ی افشار کابل می‌گذرد و در آن جا با سیل جمعیت که سرک را مسدود کرده بودند، روبرو می‌شود و بعد می‌پرسد که اینجا چه خبر است! آنها گفتند که آقای واعظ منبر می‌رود. داوود خان با دیدن این صحنه، شگفت‌زده می‌شود. در ماجرای کشف حجاب زنان مسلمان افغانستان (سال ۱۳۴۰ خورشیدی) علامه شهید واعظ<sup>(ه)</sup> در حسینیه‌ی عمومی «افشار» کابل سخنرانی‌های مهیج و بیدارکننده‌ای علیه این عمل و فیکانه‌ی دولت ایراد فرمود که منجر به دستگیری و انتقال مخفیانه‌ی او به غزنی گردید و مدت سه سال و نیم (یعنی از سال ۱۳۴۰ تا ۱۳۴۴) را در زندان‌های دهمزنگ کابل و غزنی در بند گذرانید.

از دیدگاه علامه شهید واعظ<sup>(ه)</sup> استعمار و استبداد از بزرگ‌ترین عوامل تفرقه و از موانع عمده اتحاد و همبستگی مسلمانان به شمار می‌آیند، منشا و سرچشمه‌ی دوری از اسلام در بسیاری از موارد، استعمارگران و ایادی خاین آنان در کشورهای اسلامی هستند.

اندیشه‌ها و ارزشهایی چون ناسیونالیسم تعصبات قومی و نژادی، تز استعماری کهن جدایی دین از سیاست هست و علامه شهید واعظ<sup>(ه)</sup> با حساسیت فراوان نسبت به استعمار فرهنگی، مسلمانان را از گرایش به بیگانگان و اندیشه‌های آنان برحذر داشت و عالمان دینی را برای مقابله با آن فراخواند.

علامه شهید واعظ<sup>(ه)</sup> برای مقابله با اندیشه‌های انحرافی کمونیست‌ها، همزمان با حرکتی که از بین توده‌های اهل سنت به رهبری جوانان مسلمان و در راس آن عبدالرحیم نیازی تحت عنوان «نهضت جوانان مسلمان» ایجاد گردیده بود و سعی در افشای چهره‌های احزاب و جریان‌ات وابسته و خود فروخته داشتند و همزمان با همین حرکت، علامه شهید واعظ<sup>(ه)</sup> با گامی بلند و محکم جهاد فرهنگی را آغاز و با اقدام به انتشار اولین مجله‌ی دینی در افغانستان تحت عنوان «برهان» نمود که در کنار دیگر فعالیت اسلامی «برهان» تنها مجله‌ی علمی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی شیعیان افغانستان بود.

علامه شهید واعظ<sup>(ه)</sup> در عصر خویش از طلایه‌داران تقریب و اخوت اسلامی میان تشیع و تسنن افغانستان بود، چنانچه که معظم‌له در رد افترا و جعل‌سازی‌های ملای درباری و اجیر بیگانه (ملا مبارک) در کتابی بنام «سیف ابرار»، علامه شهید واعظ<sup>(ه)</sup> در آن زمان اولین منادی وحدت بود که در جواب گزاره‌گویی‌های او کتاب ارزشمند «سیف الاسلام» را نوشت و در مقدمه‌ی این کتاب آمده است: «هدف من از ذکر این مقدمه آن است که خوانندگان گرامی چنین تصور نکنند که این جا، نبردی است بین شیعه

و سنی و یک نفر عالم شیعه از اعتراضات عالم سنی جواب می‌گوید، بلکه حق واقع این است که این داعی منخلص به حیث یک نفر وطن‌دوست و طرفدار وحدت ملی، قلم را به دستم گرفته می‌خواهم از این نوشته‌ی خود دو نتیجه بگیرم:

۱. اضطراب اعصاب و جوشش جوانان شیعه را که نویسنده‌ی «سیف الابرار» برای شان تولید کرده، فرو بنشانم و آرام کنم.

۲. این مرد بی‌اطلاع را به خطا و اشتباهی که کرده دانسته کنم تا در آینده از چنین نوشته‌های نابجا و نفاق‌انگیز خود داری کنند. به شرف وطن عزیز و سنگینی این آب و خاک که هدفی ندارم، جز حفظ وحدت ملی و استحکام مبانی اتحاد و اتفاق، و چون جواب‌های که می‌نویسم مبنی بر اساس وحدت و یگانگی است نه مبنی بر اختلاف شیعه و سنی، که من همیشه از خداوند متعال توفیق اتحاد و اتفاق برای تمام برادران محترم اسلامی تمنا دارم».

علامه شهید واعظ<sup>(ره)</sup> باور داشت که وحدت اجتماعی، سیاسی و اقتصادی تحقق نمی‌یابد، مگر هنگامی که مسلمانان به «حق» باز گردند و نسبت به آیات قرآنی دیدگاه صحیح بیابند که از سیره نبوی و اسلام ناب، سرچشمه می‌گیرد و زندگانی خاندان پیامبر اسلام<sup>(ص)</sup> به آن دخالت مستقیم دارد؛ زیرا تنها این عامل خواهد توانست شالوده‌ی استوار بنیان نهاد که رفتارهای فردی و اجتماعی را سامان می‌بخشد و البته در این میان رسول اکرم<sup>(ص)</sup> و خاندان مطهرش الگو و اسوه مسلمانان هستند. چنانچه در بیانات و نوشته‌های علامه شهید واعظ<sup>(ره)</sup> راهکارهای تحقق وحدت تشیع و تسنن،

وحدت مردم افغانستان ذکر شده و از جمله در بخشی از کتاب «سیف الاسلام» آمده: «پس از منطق وحدت دینی و وحدت ملی بر هر فرد از افراد ملت غیور افغانستان لازم است که بقدر قدرت خود در رشد ریشه‌ی اتحاد و تامین وسایل اتفاق بکوشند و از ندهای نفاق‌انگیز و نوشته‌های تفرقه انداز که منافی وحدت ملی است خود داری کنند و اگر جاهلی از روی نادانی، یا مستخدمی از روی غرض و ایفای وظیفه‌ی سیاسی رخنه در وحدت ملی باز کند و صدمه در شیرازه‌ی اتفاق و اتحاد می‌زند، لازم است دانشمندان مشفق که علاقه به این آب و خاک دارند هرچه زود تر آن رخنه را ببندند و اولیای امور نیز در استحکام مبانی وحدت بذل مساعی فرمایند...» (۹)

### سیاست مدار و خبیر به مسائل روز

برخی از دانشمندان علم سیاست معتقدند که سیاست و سیاست‌ورزی، پیش از اینکه علم تئوری‌پردازی باشد، فن و هنر است. سیاستمدار آن کسی است که در کوران حوادث سیاسی، اجتماعی، تجاری را فراگرفته و پخته شود و در میدان مبارزه، سرد و گرم روزگار چشیده و در فراز و نشیب زمان با مهارت و دیپلماسی خاصی، خود را به اهداف و آرمان‌های ایدئولوژیکی خود برساند. اگر از این نظر بنخواهیم شهید آیت الله واعظ<sup>(ره)</sup> را ارزیابی کنیم، او قطعاً یکی از مصادیق بارز مفهوم سیاستمدار است. اساساً می‌توان گفت عمر او بیشتر در عرصه‌ی مبارزه، بیان و قلم سپری شد. خود را در راه مبارزه وقف نمود و همگام با دیگر مبارزان در راه

نهضت اسلامی، جهاد خستگی‌ناپذیری داشته است، همگامی او با رهبران نهضت‌های اسلامی به ویژه بنیان‌گذاران آن مشهود همگان می‌باشد. اگر او را بیدارگر می‌دانیم، از آن جهت است که به عنوان یک متفکر نواندیش در منابر و نوشته‌های خود، مفاهیم فراموش شده‌ی اسلامی را با تفسیر نوین بازیابی کرده و با قلم شیوای خود، همه‌ی آن مفاهیم زنده را در راه احیای اندیشه‌ی اسلامی و بسیج نیروهای مسلمان در تکوین جامعه‌ی مسلمان و بازگشت به خویشتن خویش به کار برده است.

از خصوصیات دیگر آن عالم ربانی وقوف و اطلاع‌شان نسبت به مسایل روز بود، به همین دلیل نسل جوان به ایشان به عنوان یک عالم دینی و در عین حال خبیر به مسایل روز واقعاً چشم‌گیر بود.

مبارزه با استعمار، استبداد و استثمار ترجیح‌بند گفته‌های علامه شهید واعظ<sup>(ره)</sup> بود و شخصیت او تجسم مبارزه با این سه عنصر می‌باشد. مبارزات او فقط علیه استبداد نبود، استثمار نیز در تیررس دیده‌ی تیزبین و واقع‌نگر او قرار داشت.

چنانچه در یکی از سخنرانی‌های خویش اظهار کرد: «از غرب آوازه‌ای بلند می‌شود که او خیرخواه بشر است، از شرق آوازه‌ی دیگری می‌آید که او خیرخواه کارگر است، تمام این‌ها مثلش، مثل قصاب و گوسفند است، که یک‌دسته رشقه را به بغل گرفته، شصت- هفتاد رأس گوسفند بیچاره را به دنبال خود به کشتارگاه می‌برد...»

«... جهان‌خواران شرق و غرب چون نهنگ دهان باز کرده‌اند، تا ممالک عقب‌مانده را فرو ببرند...»

«... کجایند این جمعیتی که برای فرستادن یک قلاده سگ با قمر مصنوعی به فضا، مظاهره می‌کنند، میتینگ و مجلس تشکیل می‌دهند، کجایند در شب‌ها و روز‌های که هزاران نفر در ویتنام شمالی زیر بمباران‌ها وزیر رگبار مسلسل‌ها کشته می‌شوند؟

کجاست مظاهره‌ی این‌ها؟

این یک میلیون نفوذ که در بنگلادش کشته شد چه کسی مظاهره کرد؟

چه کسی میتینگ دایر کرد؟

برای یک سگ شعار دادند، اما برای یک میلیون انسان که عموماً مسلمان بودند نه یک مظاهره، نه یک میتینگ، نه حتی یک شعار، ابداً سرو صدای نشد...» (۱۰)

بهر حال! آشنایی با افکار و اندیشه‌های آیت الله واعظ مجال فراغت زیادی می‌طلبد و می‌بایست، عمده‌ترین کتاب‌های اجتماعی، فرهنگی و سیاسی او را خواند و تحلیل کرد، تا بتوان به تماشای زیبایی‌های افکار رهایی‌بخش و آموزنده‌ی او نشست!

### راهکارهای تحقق عدالت اجتماعی

اما دغدغه‌ی عدل و ظلم از دیدگاه آیت الله شهید واعظ<sup>(ره)</sup>: یک صدم کتاب‌های که دانشوران اسلامی در رد کفر و برای اثبات حقانیت دین نوشتند، در رد ظلم و برای تحکیم عدالت اجتماعی نوشته‌اند. آن اندازه که مسلمانان به حاکمان کافر حساسیت داشتند، به حاکمان ظالم حساسیت نداشتند. در میان مسلمانان هیچ‌گاه سخنان کفرآمیز بدون پاسخ نماند، اما

چه بسیار رفتار های ظلم که بدون اعتراض ماند و تردیدی نیست که کافر عادل بهتر از مسلمان ظالم است. هکذا حاکم کافر عادل از حاکم مسلمان ظالم بهتر است.

راجع به عدالت اجتماعی در حکومت های مادی و معنوی، از شماره یک نشریه ی مجموعه ی نور نقل می شود: «... بشر وقتی از آفتاب تابنده ی عدالت اجتماعی استفاده خواهد کرد که در پرتو ایمان به خدا و در سایه ی حکومت معنوی همه نزدیک یکدیگر بیایند...»

مهم ترین عامل فقر و بدبختی گروهی از انسان ها و به وجود آمدن تضاد طبقاتی، ساختار ناسالم نظام اقتصادی حاکم بر جوامع و وجود روابط ظالمانه بین افراد است. نظام اجتماعی و اقتصادی اسلام و مکتب نبوی با عنایت به این امر و با توجه به آثار سوء تمرکز ثروت در دست اغنیا، ساختار ویژه ای در مسئله مالکیت تدبیر کرده و ضوابطی را برای آن قرار داده است، تا عدالت اقتصادی در جامعه تامین گردد و براین اساس در قرآن کریم، پیامبر اکرم<sup>(ص)</sup> مامور می شوند، غنایم و ثروت های عمومی را بین همه توزیع کنند، تا ثروت در دست اغنیا متمرکز نشود.

امروز اگر عالمان علیه بی عدالتی ها بر نخیزند و با طبقه جدید و نوکیسه، که انگل وار به کمک دست های مرموز خیااتکار و جفا پیشگان ریشه دوانده و زالو وار خون مردم را می مکند، شجاعانه برخورد نکنند؛ مردم از اقامه عدل و برپایی نظام عادلانه اجتماعی و اقتصادی نا امید می شوند و این نا امیدی هم بسیار خطر آفرین است و هیچ برنامه ای با مردمان نا امید، پا نمی گیرد. در رسیدن به جامعه آرمانی که هدف عدالت خواهان و



عدالت‌پیشگان است، موانعی بسیار وجود دارد که می‌شود گفت، گاه موانع داخلی است و گاه فردی و جمعی.

### مقام و جایگاه زن در اسلام

علامه شهید واعظ<sup>(ه)</sup> قوامیت مرد را بر زن که در قرآن کریم آمده به معنی مدیریت درون خانواده می‌داند و برای زن همه آموزش‌های حلال و نیز آموختن علوم را برای دفاع از خود و یا شرکت در فعالیت‌های اجتماعی و سیاسی، جایز و زن و مرد را مکمل هم می‌داند و این امر را ویژگی یک جامعه موفق می‌داند. آن مجتهد عالی‌قدر در عین تأکید بر سوق دادن استعداد زنان در مسیر درست و تلاش زنان برای کسب اعتماد به نفس، چارچوب و ضوابط اخلاقی را برای فعالیت زنان پیش‌فرض می‌داند و حجاب و عفت زنان را الزامی و آن را کمک به کارایی انسانی زنان و در این صورت زنان تحت تأثیر تحریکات قرار نمی‌گیرد.

علامه شهید واعظ<sup>(ه)</sup> مقام و جایگاه زن از دیدگاه اسلام را در یکی از سخنرانی‌هایش چنین بیان می‌کند:

جای شک و شبهه نیست که کاروران انسانیت در مدار اجتماعی خود احتیاج به مرد و زن دارد، در جامعه بشری از قدیم تا کنون، نظرات و عقاید مختلفی در ارتباط با تفاوت‌های مرد و زن وجود داشته است. متأسفانه اغلب این تفکرات بر مبنای برتری مرد بر زن استوار بوده و هرگز نگاهی واقع‌بینانه به زن به عنوان نوع بشر نداشته و همواره در طول تاریخ حقوق حقه جامعه زنان تضییع شده و این مسئله به دلایل مختلف من

جمله عدم آگاهی زنان و روحیه گذشت و فداکاری که در آنان وجود داشته، بسیار عادی تلقی شده و همه از کنار آن به راحتی گذشته‌اند؛ اما با ظهور اسلام، قرآن کریم با کمال صراحت در آیات متعددی می‌فرماید که زنان را از جنس مردان و از سرشتی نظیر سرشت مردان آفریده ایم و رسول اکرم<sup>(ص)</sup> با رفتار و گفتارش مقام زن را ارج نهاد و با معرفی برترین و والاترین الگوی زن مسلمان به جهانیان، حضرت فاطمه زهرا<sup>(س)</sup> دیدگاه اسلام را نسبت به زن تبیین نموده است.

زنان در طول تاریخ به دلیل قدرت بدنی ضعیف‌تر در مقابل مردان و تفکرات غلط و برخی آداب و رسوم اشتباه همواره مورد ظلم و ستم قرار گرفته‌اند. پیش از اسلام در بین اعراب جاهلی و پیش از قرون جدید در اروپا، او را فاقد ماهیت انسانی می‌دانستند و جزو اموال مردان خانواده می‌دانستند که به راحتی خرید و فروش می‌شد.

بیشتر امت‌های قدیم نیز معتقد بودند که عبادت و عمل صالح زن در درگاه خدای تعالی پذیرفته نیست، در یونان قدیم زن را پلید و دست پرورده شیطان می‌دانستند، رومیان و بعضی از یونانیان معتقد بودند که زن دارای نفس مجرد انسانی نیست و مرد دارای آن هست، کسانی که اهل مطالعه هستند در مجله «المنار» مراجعه کنند که در این عصر تمدن و پیشرفت، غرب از زن چگونه استفاده می‌کند و حتی در سال ۵۸۶ میلادی در فرانسه کنگره‌ای تشکیل شد تا در مورد زن و اینکه آیا زن انسان است یا خیر بحث کنند.

در روزگار حاضر و عصر تمدن و پیشرفت نیز غربی‌ها با شعارهای دروغین و سخن‌راندن از حقوق از دست رفته‌شان آنها را فریفته و برای منافع خود، وجودشان را به بازی می‌گیرند که یاد آوری برخی موارد رفتار غربی‌ها با زن و استفاده نادرست ابزاری از زنان در این مجلس مناسب نمی‌دانم. (۱۱)

### دموکراسی از لحاظ آرای مردم

به نظر علامه شهید واعظ<sup>(ره)</sup> اساس و پایه‌ی حکومت اسلامی، مبتنی بر دموکراسی و آرای مردم است. اگر جمعیت، یا شخصی بدون در نظر گرفتن نظر و رای مردم، بخواهد خواسته‌ی خود را اعمال کند، قطعاً زورگویی کرده و با دست خود، مقدمات سقوط خود را فراهم کرده است. در نگاهی کوتاه به رشته مقالات ارزشمند او که در شماره‌های ۱۰ و ۱۱ مجله‌ی برهان راجع به حیات اجتماعی و حدود آزادی آمده است چنین می‌خوانیم: «همه می‌دانیم که کلمه‌ی «حریت» مانند بسیاری از کلمات دیگر مفهوم اصلی خود را از دست داده مورد استفاده‌های نادرست قرار گرفته است. مثلاً کسانی که از ثروت بهره دارند، «حریت» را با اصول و فروعش تا آخرین نقطه به نفع خود تفسیر می‌نمایند و کوچک‌ترین مجالی که بتوان در آن برای فقرا نیز «آزادی» تصور کرد، باقی نمی‌گذارند و ثروتمندان آزادند که در کاخ‌ها برقصند، فقرا آزاد نیستند که در کوخ پای خود را دراز کنند... پس هر فرد از افراد بشر که به تناسب وجود خود حق «آزادی» دارد، «آزادی» او محدود است با این که با «آزادی» دیگران مزاحمت

نمایند، چه حقیقت «آزادی» نه این است که هر که هر چه میل دارد انجام بدهد. بلکه حقیقت آن این است که هر که هر چه حق دارد بتواند انجام بدهد و از همین جهت است که علمای علم الاجتماع همیشه «حریت» را در مرتبه‌ای متأخره از حقوق ذکر می‌نمایند، اشاره به این که «آزادی» هر فرد در ساحه‌ی حق ثابت اوست و هیچ فردی آزاد نیست که از حق خود تجاوز کند و به حق دیگری تعدی نماید...» (۱۲)

یکی از ویژه‌گی‌های دیگر این شخصیت وارسته از زخارف و مظاهر فریبنده‌ی دنیوی، زهد و ساده‌زیستی ایشان بود که زبانزد خاص و عام است. با این که هر ماه حداقل مبلغ صدها هزار افغانی از بابت وجوهات به دست مبارک شان می‌رسید، ولی همه را در مصارف مقررهِ شرعیهِ و شهریه‌ی طلاب حوزه صرف نموده و از حد اقل امکانات برای معیشت و ساده‌ترین زندگی از لحاظ خوراک، پوشاک و مسکن، برای خود و وابستگان استفاده می‌نمودند.

آنچه از زندگی و کارنامه‌ی شهید آیت الله واعظ<sup>(ره)</sup> به ویژه اهداف و کوشش‌هایش، دانسته می‌شود این است که مهم‌ترین آرمان‌ها و تلاش‌های او به امور ذیل معطوف بوده است:

۱. نفی تعارض علم و دین
۲. نفی تفکیک دین و سیاست
۳. مبارزه با استعمار
۴. مبارزه با استبداد
۵. مبارزه با استثمار

۶. مبارزه با صهیونیسم

۷. اتحاد مسلمانان

۸. نزدیک ساختن مدارس دینی با دانشگاه

۹. برپایی حکومت اسلامی

۱۰. برپایی عدالت اجتماعی (۱۳)

### ابعاد شخصیتی علامه شهید واعظ<sup>(ره)</sup>

شهید واعظ<sup>(ره)</sup> یکی از بارزترین، موفق‌ترین و پیشروترین شخصیت‌های علمی کشور در عصر جدید است که در گستردگی فکر، درک زمان، شناخت مسایل فکری؛ توجه به واقعیت‌ها و آشنایی با مبانی دینی، سرآمد هم‌عصران خویش بود. همانگونه که جد بزرگوارش دارای کرامت بود، معظم له نیز در تهذیب نفس و اهمیت دادن به جنبه‌های معنوی توجه جدی داشت، نماز شبش ترک نمی‌شد و او ارتباط عجیب معنوی با پرور دگارش داشت. (۱۴)

### ویژگیهای معنوی:

انسان می‌تواند به وسیله کنترل غرایز خویش و مخالفت با هوای نفس به کمالات روحی دست یابد و از اخلاق انسانی و اسلامی بهره‌مند گردد. بشر در اثر کمالات روحی می‌تواند بسیاری از مشکلات خود و دیگران را به آسانی برطرف سازد.

#### ۱. اخلاص

اخلاص به معنای پاک بودن رفتار و کردار است. انسان‌های خردمند جز با اخلاص به پرستش نمی‌ایستند و جز با نیت پاک به ستایش نمی‌نشینند. شهید واعظ<sup>(ره)</sup> درباره اخلاص می‌فرماید: «کار را برای خود کردن نفس پرستی است.»

#### ۲. توسل

به عتبات و عالیات و مزارات بزرگان مشرف می‌شدند، در طول سال چندین بار به زیارت بارگاه امام زاده سید یحیی (مشهور به شاه قلندر) در وردک و زیارت مرقد امامزاده شاه سالم (مشهور به شیرسرخ) در کجانب بهسود می‌رفتند و اقدام به بازسازی مرقدهای آن بزرگواران نمود، این توسل به اهل بیت<sup>(ع)</sup> و نوادگان آن بزرگواران که انسان را به درگاه خداوند، بزرگ و آبرومند می‌سازد، یکی از ویژگی‌های شهید علامه واعظ<sup>(ره)</sup> بود.

#### ۳. دعا

علامه شهید واعظ<sup>(ره)</sup> با دعا و نیایش رابطه خاصی داشت و دعا در زندگی پربار آن شهید بزرگوار از موقعیت ویژه‌ای برخوردار بود. از جمله، او مقید به ذکر ایام هفته و مناسبت‌های دینی بود که ذکر و دعاها را بخواند.

#### ۴. نماز

علامه شهید واعظ<sup>(ره)</sup> به تاسی از رهبران الهی، مقید به نماز اول وقت بود و هیچ کاری در موقع نماز، برای ایشان به اندازه نماز بموقع، اهمیت نداشت.

## ویژگی های شخصیتی:

### ۱. عزت نفس

عزت نفس که به معنای شرافت و مناعت طبع است یکی از سرمایه های ارزشمند انسان مومن است. قرآن مجید، عزت را از آن خدا، پیامبر<sup>(ص)</sup> و مومنان می داند و از خصوصیات مهم شخصیتی علامه شهید واعظ<sup>(ره)</sup> این بود که از روحیه ای بسیار قوی برخوردار بود و او نزد ارباب زر و زور، خضوع و اظهار حاجت نمی کرد و در جمع مال و ثروت دنیا حریص نبود.

### ۲. نظم

نظم و برنامه داشتن، سامان دهنده زندگی و وسیله ای موثر برای رسیدن به اهداف بزرگ است، به گونه ای که رمز موفقیت مردان بزرگ به شمار می رود. از نکات بسیار آموزنده ای که در زندگی علامه شهید واعظ<sup>(ره)</sup> وجود داشت، نظم در امور فردی و اجتماعی ایشان بود. او می خواست از لحظه لحظه عمر خویش، بهترین استفاده را ببرد و دیگران را نیز به ویژه در محیط های علمی و حوزوی تشویق به برگزاری نماز اول وقت و نظم در امورات روز مره شان می نمودند.

### ۳. نبوغ فکری و استعداد درخشان

نبوغ فکری علامه شهید واعظ<sup>(ره)</sup> را از آنجا می توان دریافت که وی پس از پیوستن به جمع شاگردان مرجع بزرگ حضرت آیت الله العظمی خویی<sup>(ره)</sup> بسیار مورد عنایت وی قرار گرفت چنانکه استادش حضرت آیت الله خویی<sup>(ره)</sup> به آینده روشن و درخشان او امیدوار شد به گونه ای که

از میان ده‌ها بلکه صدها شاگرد فاضل، نویسنده و سختکوش خود، قلم و روش علامه شهید واعظ را در تقریر مطالب درسی خودش برگزید و دست نوشته‌هایش را به عنوان تقریرات درس خارج اصول خود به نام «مصباح الاصول» اجازه چاپ داد. (۱۵)

ویژگی‌های ممتاز علامه شهید واعظ<sup>(ره)</sup> باید برای نسل جوان تبیین شود تا آنان بیشتر با اخلاق و معارف این شخصیت آشنا شوند. ویژگی‌های بارز علامه شهید واعظ<sup>(ره)</sup> خضوع، ولایت‌پذیری در برابر معصوم<sup>(ع)</sup> در عین توانمندی، علم و محبوبیت بالای وی بود و همچنین از دیگر ویژگی‌هایش، ایمان و دینداری، انس با قرآن و نماز شب، روحیه علم‌آموزی و تسلط بر دروس حوزه، اهل مطالعه و حاشیه‌نویسی بر کتب مختلف و مصلح اجتماعی بودن وی بود.

### دیدگاه بزرگان در باره علامه شهید واعظ<sup>(ره)</sup>

در مورد شخصیت ممتاز علامه شهید واعظ<sup>(ره)</sup> دیدگاه‌ها و نظرات فراوانی از سوی مراجع، اساتید، رجال نامدار علمی و شخصیت‌های سیاسی و اجتماعی ابراز گردیده است که تماماً در مدح و ستایش از تقوا، مقام علمی و خدمات علامه شهید واعظ<sup>(ره)</sup> اظهار گردیده است.

علامه شهید واعظ<sup>(ره)</sup> وقتی که مفتخر به دریافت خط اجتهاد از محضر حضرت آیت‌الله العظمی حکیم<sup>(ره)</sup> گردید، در آن آمده: «يَدُهُ يَدِي وَ قَبْضَةُ قَبْضِي وَ نَصْبُهُ نَصْبِي وَ عَزْلُهُ عَزْلِي وَ أَمْرُهُ أَمْرِي وَ نَهْيُهُ نَهْيِي...» دستش دست من است، قبضش قبض من است، نصبش نصب من است، عزلش عزل من



است، امرش امر من است، نه‌بیش نهی من است...» و همچنین سایر مراجع، از جمله مرحوم حضرت آیت الله العظمی خویی<sup>(ره)</sup> در مقدمه چهار جلد «مصباح الاصول» از آثار و شخصیت وی به عنوان افتخاریاد می‌کند.

چنانچه در تقریظ و تمجید حضرت آیت الله العظمی خویی<sup>(ره)</sup> در باره شخصیت علمی علامه شهید واعظ<sup>(ره)</sup> آمده: «من آن چه از تقریرات درس هایم را دانشمند فضیلت‌مآب، فخر الافاضل الکرام سید محمد سرور واعظ بهسودی به رشته‌ی تحریر درآورده است، ملاحظه کردم و آن را دارای حسن تعبیر، وضوح بیان و جامع‌بین، ایجاز بلیغ و توضیح کافی، یافتم، خداوند چشم او را روشن کند، همان گونه که دیدگانم را روشنایی بخشید و دانش را به دست او و امثالش گسترش دهد...» (۱۶) این خود حکایت از مقام والای علمی، فقهی، اصولی و معنوی ایشان دارد.

حضرت آیت الله العظمی محسنی، رئیس شورای علمای شیعه افغانستان در مورد مقام علمی و خدمات علامه شهید واعظ<sup>(ره)</sup> می‌گوید: «من از دوران تحصیل که در حوزه علمیه نجف اشرف بودم با آیت الله واعظ شهید دوست صمیمی و با هم به درس‌های حضرت آیت الله العظمی خویی<sup>(ره)</sup> شرکت می‌کردیم، او در منبر و نوشتن مطالب سلیقه‌ای خوبی داشت، با آنکه آیت الله خویی<sup>(ره)</sup> آدم سخت‌گیر بود و به هرکسی اجازه چاپ تقریراتش را نمی‌داد ولی نسبت به ایشان نظر مساعد داشت. دانشمند محترم آیت الله واعظ شهید، همان‌گونه که قدرت علمی داشت، سخنرانی‌هایش مطابق طبع مردم بود و روانشناسی جامعه را می‌دانست و موعظه‌اش در دل‌های مخاطبین تاثیر خوبی می‌گذاشت، او در سرتاسر

افغانستان شهرت یافته و در میان اقشار مختلف جامعه از نفوذ و طرفداران زیادی برخوردار بود، نوشته‌هایش نیز علمی و مفید بود، از جمله آثارش کتاب خاطرات زندان و یادیه از اخلاق اسلامی بود که در زندان نوشته شده بود، همچنین راه اندازی مجله «برهان» که تا یازده شماره آن به نشر رسیده بود و پدرم می‌خواست برای حمایت از این نشریه دینی، حساب بانکی را در قندهار ایجاد کند، اگر حکومت وقت می‌گذاشتند این نشریه خیلی تاثیر گذار بود، من در مجله برهان عضو هیئت تحریر آن بودم و خود آقای واعظ شهید سرمقاله های آن را می‌نوشت. او در آن زمان بهترین مسجد و مدرسه با عظمت را در تپه سلام کابل بنا نهاد که به تدریس، موعظه و حل دعاوی مردم اقدامات مفید نموده و برای ترقی فرهنگ جامعه خدمت کرد و به تمام معنا، او آدم پرکار بود و راحت طلبی نداشت و به کارهای مردم رسیدگی می‌کرد، تدین و اخلاق نیکو داشت و مردم نیز طرفدارش بود و پرکاری‌اش در همه مراحل برجسته بود و آخرین خوشبختی‌اش این بود که خدای تبارک و تعالی شهادت او را به عنوان نماینده دین به دست خبیث‌ترین و بدترین افراد ضد دین قرار داده است.» (۱۷)

علامه شهید واعظ<sup>(ره)</sup> عالم فاضل و جلیل از اساتید فقه و اصول بوده در تحقیق، بحث و مطالعه پرکار و فعال است و در درس خارج فقه و اصول حضرت آیت الله خوئی شرکت می‌کرد و مقام بلندی در فضل و کمال به دست آورد و چنانچه مرحوم حضرت آیت الله شیخ محمد عیسی محقق خراسانی در صفحه ۱۶ کتاب با ارزش «المؤلفون الافغانیون

المعاصرون» او را علامه‌ی بزرگ و دانشمند فاضل دانسته که حق تقدم و سبقت نسبت به سایر فضلاى افغانستان دارد و در رشد حوزه علمیه و پرورش طلاب فاضل نقش فراوان داشته در تقریرات و شرح نگاری بر کتاب‌های مهم درسی پیشقراول بوده است. و در کتاب «معجم رجال الفکر والادب فی النجف خلال الف عام» آمده است: «عالم، فاضل، جلیل، مجتهد، خبیر، محقق، مسافر، من بلادہ النجف ودرس بها و أخذ عن السید الحکیم والسید الخوئی والسید الشاهرودی وعاد الی وطنه للإرشاد والهدایة والقیام بالاحکام الشرعیة، غیران الحکومة الافغانیة اعتقله لقصایا و عوامل دینیة.» (۱۸)

علامه شهید واعظ<sup>(ه)</sup> در دوران جوانی و طلبگی نیز مصدر خدمات فرهنگی و دینی گردیده، چنانچه حضرت آیت الله العظمی محقق (دام ظلّه العالی) ورودش به حوزه علمیه مدیون تلاش و دلسوزی های علامه شهید واعظ<sup>(ه)</sup> می داند.

به گفته آیت الله محقق کابلی (۱۹) سالهای ۱۳۲۰ تا ۱۳۲۲ خورشیدی علامه شهید واعظ<sup>(ه)</sup> در ترکمن ملایی داشته و باتشویق ایشان، من درس طلبگی را نزد ایشان آغاز و پس از آن زمینه سفرم به نجف را فراهم و سال ۱۳۳۲ با حمایت های همه جانبه علامه شهید واعظ<sup>(ه)</sup> همراه عده ای از مومنین که عازم کربلا و نجف جهت زیارت عتبات و عالیات بودند سفر نمودم و در آن زمان آقای واعظ<sup>(ه)</sup> که حدود یکسال زود تر از من به نجف اشرف رفته بود و من مدتی در آنجا نیز از محضر ایشان و دیگر فقها و علمای حوزه علمیه نجف اشرف کسب فیض نمودم. (۲۰)

حضرت آیت الله ا‌ محقق کابلی با بیست سال تحصیل و تدریس مستمر در حوزه علمیه نجف اشرف در ماه ثور ۱۳۵۱ خورشیدی از کشور عراق به افغانستان بازگشت، علامه شهید واعظ<sup>(ه)</sup> آن زمان در مسجد ابوذر غفاری<sup>(ه)</sup> واقع پل سوخته غرب کابل نماز جماعت و نیز روزهای جمعه سخنرانی داشتند، او به احترام آیت الله محقق امامت مسجد ابوذر غفاری را که اکثر اهالی آن، مردم متدین ترکمن ولایت پروان را تشکیل می داد، علامه شهید واعظ<sup>(ه)</sup> مردم آن منطقه را تشویق به حمایت از حضرت آیت الله محقق نمودند و ایشان نیز مدت هفت سال در آن منطقه به فعالیت دینی، تدریس، اقامه نماز جماعت و اقدام به ساخت مدرسه جامعه الاسلام نمودند. (۲۱)

حضرت آیت الله العظمی شیخ محمد اسحاق فیاض (دام ظلّه العالی) در آوان طلبگی طبق مشوره علامه شهید واعظ<sup>(ه)</sup> عازم حوزه علمیه نجف اشرف می گردد، به گفته یکی از دوستان قدیم آیت الله فیاض، من سال ۱۳۴۷ خورشیدی، در «قلعه شهادت کهنه» واقع غرب کابل آخوند بودم، روزی خدمت آیت الله شهید میرعلی احمد عالم<sup>(ه)</sup> بودم که اولین آشنایی من با آیت الله فیاض از همانجا آغاز شد، ایشان به شهید عالم گفت که من می خواهم عازم حوزه علمیه نجف اشرف گردم و موضوع را با آیت الله واعظ نیز در میان گذاشتم و او به من فرمود: اگر می خواهی ملا شوی در مدرسه محمدیه ادامه تحصیل و تدریس نمایند و اگر می خواهی به اجتهاد بررسی به حوزه علمیه نجف اشرف برو و آیت الله واعظ به من اجازه داده که عازم نجف اشرف گردم، حضرت آیت الله فیاض در آن زمان حدود

بیست سال از عمرش می گذشت که طبق مشوره و راهنمای حضرت آیت الله واعظ<sup>(ره)</sup> عازم نجف اشرف گردید. (۲۲)

همچنین یکی از دانشمندان ایرانی درباره‌ی علامه شهید واعظ<sup>(ره)</sup>، سال‌ها پیش نوشته است: «حجۀ الاسلام والمسلمین علامه مجاهد آقای حاج سید سرور واعظ کابلی یکی از ستارگان پرفروغ آسمان علم و فقهات در کابل پایتخت کشور همسایه ما افغانستان است... و در نجف به تدریس «کفایه الاصول» و غیره پرداخته و جمع کثیری از محصلان افغانی، پاکستانی و غیره از محضرش کسب فیض نمودند...» (۲۳)

علامه شهید بلخی<sup>(ره)</sup> در سالروز میلاد پیامبرگرمی اسلام<sup>(ص)</sup> بمناسبت افتتاح مسجد محمدیه توسط علامه شهید واعظ<sup>(ره)</sup> تقدیر و تاسیس آن را از افتخارات کشور در راستای وحدت و همبستگی مردم افغانستان دانسته و اظهار می دارد: «از فرمایشات جذاب جناب «خان مولوی» استفاده بردیم و در پایان از بیانات حضرت آیت الله حجت حفظ الله اسفاده خواهیم برد. افتخار داریم که در سالروز میلاد پیامبر گرمی اسلام<sup>(ص)</sup> شاهد افتتاح مسجدی هستیم که بنام آن حضرت تاسیس می شود، تاسیس این کانون، وحدت اسلامی را ترسیم می کند و امیدواریم که بنیانگذاری چنین مرکز دینی، اتحاد و یک دلی را میان افراد جامعه حاصل نمایند و ما بتوانیم از تاسیس چنین مرکز اسلامی مقصودی را به دست آوریم که پیامبرگرمی اسلام<sup>(ص)</sup> برای آن قیام کرد.

امروز با همه توطئه دشمنان اسلام که می خواهند با تفرقه و نفاق بنیاد وحدت امت اسلامی را خراب کند، ولی بحمدالله روز به روز در

کشورهای اسلامی مساجدی بعنوان کانون توحید بنیانگذاری می‌شود و حتی در کشورهای غیر اسلامی همانند؛ واشنگتن، توکیو، اسپانیا، آلمان و بسیار کشورهای دیگر غربی و اروپایی بنام پیامبرگرامی اسلام<sup>(ص)</sup> مساجد بنیانگذاری می‌شود.

همچنین در کشور عزیز ما افغانستان نیز از دوران ورود اسلام به این کشور حتی در دوره‌های غوری‌ها، مغولها و تا کنون مساجد زیادی در ولایات مختلف افغانستان بعنوان کانون توحید بنا گذاشته شده، بزرگان خواستند که با ایجاد چنین مراکز، آتش فتنه‌ی را که استعمار، به نام «مذهب» اختلافات را میان مسلمانها دامن می‌زند، خاموش سازند. تاسیس چنین مراکز از جمله مسجد محمدیه که توسط حضرت آیت الله واعظ تاسیس گردیده بزرگترین افتخارش وحدت و همدلی میان جامعه ماست که جناب خان مولوی نیز به آن اشاره نمودند.»<sup>(۲۴)</sup>

مولانا شهید محمد امان مشهور به خان که در راه خدمت به دین، علم و علما در بین مردم افغانستان نقش بارز و نام نیک داشت، دروس فلسفه، حکمت، حدیث، تفسیر و فقه را در مدارس کابل، خصوصاً مدرسه محمدیه علامه شهید واعظ<sup>(ه)</sup> تدریس می‌نمود و نیز موصوف همزمان به حیث عضو «جمعیت العلماء افغانستان» ایفای وظیفه و در همبستگی امت اسلامی تلاش می‌نمود.

شهید خان مولوی در افتتاح مسجد محمدیه در باره شخصیت و خدمات حضرت آیت الله العظمی واعظ<sup>(ه)</sup> می‌گوید: «حضرت آیت الله واعظ در قرن بیست برای ما مسلمانان اسوه حسنه است که خداوند ایشان را برای

مردم افغانستان عنایت فرموده و امید واریم که ایشان و امثالهم را عمر طولانی و توفیق خدمت بیشتر دهند. شما مردم مسلمان و دیندار افغانستان نیز مطلع باشید که در بنای مسجد و مدرسه محمدیه هدف بزرگی مضمراست. سالهاست که جامعه ما انتظار چنین روزی را می کشیدند و آنچه که از دست مسلمانها رفته و ما امید واریم که با بنای چنین مراکز دینی و علمی دو باره با وحدت و همبستگی، عزت و اقتدار جامعه اسلامی را دو باره به جامعه ما برگرداند و با تاسیس مسجد و مدرسه محمدیه در آینده نیز ثمرات خوبی را در کشور مان با تحویل شخصیت های علمی از این گونه مدارس شاهد باشیم.» (۲۵)

آیت الله صالحی مدرس، یکی از آموختگان حوزه های علمیه افغانستان، نجف اشرف و قم و از اساتید حوزه علمیه کابل که با سابقه تدریس در حوزه علمیه قم به عنوان استاد با تجربه شاگردان زیادی از کشورهای ایران، عراق، افغانستان، لبنان، پاکستان و هندوستان تربیت نموده و پس از سقوط گروه طالبان به افغانستان بازگشت و مدرسه علمیه «رسالت» را در این شهر تاسیس و اکنون شاگردان زیادی را در این حوزه تربیت نموده- وی یکی از اعضای اصلی دادگاه عالی افغانستان و نیز مشاور رئیس جمهور کززی در امور دینی فعالیت داشته وهم اکنون بعنوان معاون اول شورای علمای شیعه افغانستان می باشد. آیت الله صالحی مدرس از حضور حضرت آیت الله العظمی شهید سید محمد سرور واعظ<sup>(ره)</sup>، بهره علمی گرفت- ایشان در رابطه با مقام علمی و خدمات علامه شهید واعظ می گوید: «همانگونه که تاریخ نشان می دهد، علمای تشیع از زمان غیبت کبرا

تا کنون حافظ و نگهبان دین بودند و با همه مشقات و زحمات فراوان زندان و شهادت را پذیرفتند ولی هیچگاه دست از تبلیغ و ترویج معارف اسلامی در برابر کجروی‌ها و انحرافات برنداشتند و در این مسیر گامهای بلند برداشتند و خدمات زیادی را نمودند.

علما نیز در طول تاریخ به دو گروه قسمت می‌شوند، گروه اول، علمای هستند که به بُعد علمی همانند؛ فقه، اصول، فلسفه ... تبحر داشتند و تمام استعداد شان را بکار انداختند و گامهای استواری برداشتند و خدمات شایسته‌ای در جهان اسلام نمودند و اما گروه دوم، علمایی هستند که نه تنها در یک بُعد، بلکه در ابعاد گوناگونی دارای تخصص و در علوم مختلف درخشیدند و تجلی نمودند و اما استاد بزرگوار ما حضرت آیت الله العظمی شهید واعظ بهسودی از علمایی بودند که نه تنها در علم فقه و اصول، بلکه در علوم مختلف ید طولای و تالیفات فراوانی داشتند، امروز دانشمندان از آثار ایشان استفاده می‌نمایند، از جمله کتاب «مصباح الاصول» که در چندین مجلد منتشر یافته و در حوزه‌های علمیه قم و نجف همانند چراغ پُر فروغ برای همه مراجع، مدرسین و اساتید حوزه‌های علمیه می‌درخشد و مورد استفاده هستند و اکثر اساتید در درس خارج از این منبع بهره می‌برند، غالباً مکتب حضرت آیت الله العظمی خویی<sup>(ره)</sup> که یکی از مراجع و فقهای نامدار عصر خویش بود که در تاریخ اسلام خوب درخشید و او حدود دو هزار شاگرد مجتهد در عالم اسلام تحویل داد و یکی از شاگردان مبرز ایشان حضرت آیت الله العظمی شهید واعظ<sup>(ره)</sup> می‌باشد، تالیف کتاب «مصباح الاصول» وی یکی از افتخارات علمای



افغانستان و جهان اسلام است که با قلم بسیار زیبا و شیوا تحریر یافته، مخالفین و موافقین او اعتراف دارند که چنین تالیفی را هیچ یکی از شاگردان دیگر حضرت آیت الله خوئی<sup>(ره)</sup> در این سطح منتشر ننموده اند.

شهید آیت الله واعظ نه تنها در موضوع فقه و اصول بلکه در منبر و خطابه نیز حرف اول و استاد بلا منازعه در افغانستان بود، شما می دانید در افغانستان برخلاف دیگر کشور های اسلامی اگر کسی در مرحله اجتهاد هم برسد، منبر رفتن از ضروریات است، ایشان در افغانستان علاوه بر تدریس فقه و اصول سخنور شهیری بود، در تبلیغ نیز آیت الله واعظ حرف اول را داشت و ایشان در مقام سخنرانی به حدی قوی بود که نه آن زمان و نه امروز در افغانستان مثل ایشان فن خطابه را بلد هستند، علاوه برآن، او در ادبیات توانا و از نثر آثارش، مخصوصا در کتاب «مصباح الاصول» پیداست که در این زمینه ید طولایی داشت، من به دروس قوانین و کفایه‌الاصول ایشان شرکت می کردم و یادم هست که مرحوم آقای واعظ درس قوانین داشت در هرصفحه چند اشتباه را از نویسنده آن می گرفت و تجلی این ادبیات فوق العاده در «مصباح الاصول» دیده می شود. و همچنین در فن خطابه و منبر یادم هست که حدود چهل پنج سال قبل مردم از راه های دور، پای منبر آیت الله واعظ می آمدند و جلسات ایشان پرجمعیت ترین جلسات کابل بود و بعد از ایشان علامه شهید بلخی نیز در مرحله دوم قرار داشت و مردم عجیب به ایشان علاقه و ارادت داشتند و مورد اعتقاد مردم بود، او در مردم‌داری استثنایی و واقعا مربی و معلم اخلاق بود.

من در پای درس کفایه بسیاری از علما رفتم ولی قناعت‌م حاصل نمی‌شد تا اینکه درس کفایه و خارج او شرکت نمودم و از همان زمان به علامه شهید واعظ خیلی ارادت یافتم و افتخار تلمذ و شاگردی او را پیدا نمودم. من برای ادامه تحصیل عازم نجف اشرف شدم و ایشان گاهی در نجف اشرف برای زیارت عتبات عالیات تشریف می‌آوردند، بزرگان، مراجع و فقهای حوزه علمیه نجف اشرف از جمله استاد بزرگوارش حضرت آیت الله العظمی خوئی<sup>(ره)</sup> به محض خبر ورود شهید آیت الله واعظ<sup>(ره)</sup> در هر کجا که ایشان مستقر می‌شدند، به دیدنش می‌رفتند و بسیاری از مراجع دیگر نیز ایشان را بعنوان یک شخصیت علمی احترام می‌نمودند و از جمله حضرت آیت الله العظمی حکیم<sup>(ره)</sup> در باره ایشان فرموده بودند: «اگر آقای واعظ در افغانستان نمی‌رفت و در نجف می‌ماند، بعنوان یکی از مراجع معروف، برجسته و چیره دست در نجف ظاهر می‌شد، ولی از آنجایی که مردم مسلمان افغانستان به ایشان نیاز داشتند و باید به این مردم خدمت و مردم راهنمای و تبلیغ می‌نمودند، اقامه حوزه علمیه و تربیت طلبه و امر به معروف و نهی از منکر می‌نمودند و از این جهت از حوزه علمیه نجف اشرف عازم افغانستان شد که آیت الله حکیم<sup>(ره)</sup> در اول راضی نبود که او به افغانستان بیاید و می‌گفت او باید بعنوان یک مرجع بزرگ در نجف بماند ولی ایشان به غرض خدمت از نجف به افغانستان رهسپار شد.

شهید آیت الله واعظ<sup>(ره)</sup> قبل از رفتن به نجف در افغانستان نیز خدمات زیادی را انجام می‌دهد و از جمله، زمانی که ایشان در ترکمن بودند و در

همان زاده گاه آیت الله محقق کابلی به نام «دهن کاریزک» ملا بود، ایشان در میان مردم ترکمن زحمات زیادی را متقبل شد. اهالی ترکمن تحت فرمان و رهبری آیت الله واعظ<sup>(ره)</sup> قرار داشتند و مردم به ایشان خیلی عقیده داشتند و من یادم هست که ایشان بعد از ظهرها در «پل سوخته» میان ترکمنی‌ها منبر می رفت و حتی در زمان که آیت الله محقق به کابل آمده بود، مردم ترکمن آیت الله واعظ را رها نکردند.

آیت الله واعظ در میان علمای طراز اول حوزه های علمیه نجف اشرف و قم از جایگاهی خاصی بر خور دار بودند، یکی از علمای بزرگ و اساتید حوزه که من نیز شاگرد ایشان بودم «حضرت آیت الله العظمی شیخ صدرا بادکوبه‌ای» از معاصران حضرت آیت الله خوبی<sup>(ره)</sup> که شصت سال در حوزه علمیه نجف اشرف تدریس نمودند و از اساتید برجسته فلسفه بود، او در اکثر درسهایش کتاب خاطرات زندان شهید آیت الله واعظ<sup>(ره)</sup> را به شاگردانش نشان می داد و می گفت ببیند ادبیات و نثر که در این کتاب و بدون منبع در زندان نوشته شده است. شخصیت ایشان خیلی قابل تقدیر است و امروز بر همه علمای افغانستان لازم است که از او تجلیل نمایند و او زحمات که به دفاع از ارزشهای دینی چه با نشر مجله «برهان» و چه با سخنرانی و چه تدریس دروس حوزه را داشتند، تقدیر نمایند. (۲۶)

حجت الاسلام والمسلمین شیخ نادرعلی مهدوی، مدرس و خطیب شهیر کشور که دروس حوزوی را در کابل، مشهد و نجف اشرف تا سطوح عالی و خارج فقه و اصول را به پایان رسانید و پس از اشغال افغانستان توسط روسها، استاد مهدوی برای رساندن صدای انقلاب اسلامی به خارج

از کشور به رهبری مرحوم حضرت آیت الله بهشتی<sup>(ره)</sup> سهم فعال داشت. او پس از اجلاس بن و دوران حکومت انتقالی تا هم اکنون وزیر مشاور رئیس جمهور در امور دینی و قومی ایفای وظیفه می نماید و علاوه بر تدریس در مدارس دینی، عضویت شورای سراسری علمای افغانستان، شورای اخوت و شورای علمای شیعه افغانستان را دارد.

استاد مهدوی در رابطه با جایگاه علمی و خدماتی علامه شهید واعظ<sup>(ره)</sup> چنین می گوید:

از دوران طلبگی که در مشهد مقدس مشغول تحصیل بودم، آوازه فضل و دانش آیت الله واعظ<sup>(ره)</sup> را شنیدم که او قریب اجتهاد است و ایشان به دعوت مرحوم آقای اصغری که از مهاجرین دوران عبدالرحمن خان در مشهد مقدس بود حضور یافت و سخنرانی های علمی آیت الله واعظ<sup>(ره)</sup> در مدرسه عباس قلی خان باعث افتخار طلاب افغانستان گردید.

وقتی که من به کابل آمدم، از نزدیک خدمت حضرت آیت الله واعظ<sup>(ره)</sup> رسیدم، او زندگی ساده و با معنویتی داشت، هرچند که در آن زمان وضعیت اقتصادی مردم افغانستان خوب نبود، ولی معظم له بعنوان مرجع دینی برای اولین بار شهریه به طلاب می پرداخت و به مشکلات شان رسیدگی می نمود. در بُعد علمی ایشان، کتاب «مصباح الاصول» موثرین آثار وی بود که در حوزه های علمیه مورد استفاده علما قرار دارد و در بُعد اخلاق، کتاب «خاطرات زندان و یادی از اخلاق اسلامی» و در بُعد مناظره و پاسخ به شبهات کتاب «سیف الاسلام» از اثرات این عالم بزرگوار می باشد، من در کابل بودم و مرحوم علامه بلخی<sup>(ره)</sup> وفات نموده بود و به

جای شهید بلخی در افشار منبر می‌رفتم، در همان سال یک ملای اجیر بیگانه، بدون مطالعه و مدارک علمی شبهاتی را به بخش از مسلمانان شیعه مذهب ایحاد نموده بود، اولین عالمی که با جرئت، عالمانه و عادلانه اقدام به رفع شبهه نمود شهید آیت الله واعظ<sup>(ه)</sup> بود که با نوشتن کتاب «سیف اسلام» در پاسخ شبهات مولف «سیف الابرار»، مَهر سکوت بر دهان مخالفین گذاشت.

در شرایط کنونی که تهاجم فرهنگی غرب بر اقشار مختلف جامعه، مخصوصاً جوانها را تحت تاثیر تبلیغات شان قرار داده اند، باید علمای شیعه و سنی اخوت اسلامی را تقویت و جلو تهاجم فرهنگی بیگانه را بگیرند و مثل علمای گذشته اعتماد مردم مسلمان کشور را با خود داشته باشند، زیرا علمای دیروز نسبت به امروز خیلی تاثیر گذار بود، و مردم نیز نسبت به آنها علاقمند بودند، در شرایط کنونی انتظار می‌رود که شورای علمای شیعه از علمای برجسته گذشته مخصوصاً از خدمات شهدای روحانیت تجلیل و تقدیر بعمل آورند. (۲۷)

حجت الاسلام والمسلمین شیخ محمد ایوب شریفی پنجابی از اساتید حوزه علمیه مدارس دینی ایران و افغانستان و یکی از شاگردان علامه شهید واعظ<sup>(ه)</sup> که سالیان متمادی در مدارس مناطق مرکزی، کابل، مشهد و ده سال در حوزه علمیه نجف اشرف از محضر شخصیت های علمی و مراجع عظام کسب فیض و سطوح عالی و خارج فقه و اصول را به پایان رسانید، ایشان در رابطه با شخصیت علامه شهید واعظ<sup>(ه)</sup> چنین اظهار می‌دارد: «حضرت آیت الله العظمی شهید سید محمد سرور واعظ<sup>(ه)</sup> واقعا در

عصر خود منحصر به فرد بود، در باره مقام علمی ایشان، تقریظ زعیم حوزه علمیه وقت نجف اشرف، حضرت آیت الله العظمی خویی<sup>(ره)</sup> با تعبیر بلند علمی در توصیف کتاب «مصباح الاصول» گنجانده شده و سالهاست که این اثر مورد استفاده مراجع و اساتید در حوزه های علمیه می باشد و در صورتی دروس خارج اصول کمال پیدا می نماید که کتاب «مصباح الاصول» را درست حلاجی نمایند.

من بارها در میان اهل خُبره از نبوغ حضرت آیت الله شهید واعظ<sup>(ره)</sup> شنیدم و معروف است که علامه مرحوم سید محمد حسین فضل الله لبنانی<sup>(ره)</sup> در مورد نبوغ آیت الله شهید واعظ<sup>(ره)</sup> گفته بود: من (فضل الله)، علامه شهید صدر<sup>(ره)</sup> و امام موسی صدر<sup>(ره)</sup> هم دوره بودیم، آیت الله واعظ<sup>(ره)</sup> در میان ما از نبوغ و استعداد ویژه برخوردار بود، همچنین همین موضوع را مرحوم علامه فضل الله<sup>(ره)</sup> در یکی از سمینارها که در مشهد برگزار شده اظهار نمودند.

نبوغ فکری آیت الله واعظ<sup>(ره)</sup> را باید در یک اثر دیگرش که در زندان نوشته جستجو نمود، کتاب «خاطرات زندان و یاد از اخلاق اسلامی» که تنها خطبه آن را اگر مطالعه کنیم که با چه اسلوبی وارد شده که بدون منبع در زندان نوشته و بحر مواج است، خاطرات زندان آیت الله واعظ به عقیده من با آنکه بدون منبع و امکانات فرهنگی در گوشه زندان نوشته شده از کتاب معراج سعاده آیت الله نراقی روان تر و جامع تر در بُعد اخلاق است.

آیت الله شهید واعظ<sup>(ره)</sup> در بُعد عبادی، ولایی، مهر ورزی و حمایت از محرومین نیز سرآمد عصر خود بود، یکی از خصلت های برجسته ایشان غریب نوازی او بود که این سیره را از آبا و اجداد طاهرنش به ارث برده و در زندگی خود پیاده و تطبق داده بود، در فصل زمستان حتی بعضی فقرا از مناطق بامیان، غور، دایکندی، ورس، پنجاب و دیگر ولایات محروم و آنچه که من بیاد دارم، در حدود پانصد خانوار از مناطق محروم را تحت پوشش قرار داده بودند. مستمندان را شناسایی و برای افراد مریض و مستحق رسیدگی و مسئول این بخش آیت الله شهید سید محمد حسین معصومی<sup>(ره)</sup> بود و همچنین اولین شهریه برای طلاب را آیت الله واعظ در کابل پرداخت نمودند.

در رفع اختلافات و همبستگی میان پیروان مذاهب اسلامی از کتاب «سیف الاسلام» ایشان روشن است، همانگونه که منبرهایش انقلابی و به تقویت مشترکات دینی تاکید داشتند، زمانی که عده ای از دشمنان اسلام اختلافات مذهبی را دامن می زند و با نوشتن کتاب «سیف الابرار» عقاید امامیه را با ایجاد شبهات و با گِل آلود نمودن آب، ماهی مقصود خودشان را بگیرند، در چنین شرایط حساس حضرت آیت الله واعظ<sup>(ره)</sup> علما را در مدرسه محمدیه دعوت و بعد از مشوره کتاب «سیف الاسلام» را منطقی و بر گرفته از آیات، روایات و عقل و با این روش به غائله اختلافات مذهبی پایان می دهد.

آیت الله واعظ نیز با بحث های حکومت معنوی و مادی در قبال مسئله فلسطین و مسلمانان جهان و افغانستان بی تفاوت نبود و حکومت وقت بخاطر مبارزه آیت الله شهید واعظ در برابر فساد اداری، ظلم و تعدی که وظیفه یک مرجع دینی همانند حضرت آیت الله العظمی واعظ<sup>(ره)</sup> در جامعه تاریک و نابسامان آن وقت فریاد عدالت اجتماعی را سر می دهد. (۲۸)

حجۀ الاسلام مرحوم آقای سید امیر حسین جوادی<sup>(ره)</sup> که شخص نیکو سیرت، درد آشنا، عاشق علم و عالم و عمل بود، پس از مراجعت علامه شهید واعظ<sup>(ره)</sup> از نجف اشرف، مورد نوازش و اعتماد آن مجتهد فرزانه قرار می گیرد و در ارتباط کمک رسانی به ایتم، فقرا و نیازمندان، او یکی از بازوان پُر تلاش وی بود که به خاطر فعالیت های مثمرش به عنوان یکی از اعضای هیئت امنای مدرسه علمیه محمدیه و مشاور برنامه های خدماتی، اداری و فرهنگی حضرت آیت الله واعظ<sup>(ره)</sup> قرار گرفت، او در رابطه با شخصیت و خدمات علامه شهید واعظ<sup>(ره)</sup> می گوید: «با کمال تأسف، امروز خون شهدا در سنگر های جهاد مقدس و زندان پُلچرخ اعم از آیات عظام و حجج اسلام و مؤمنین متعهد، پامال قدرت طلبی ها گردیده، تلاش و زحمات هریکی از آن عالمان دینی، مخصوصاً خدمات عالم بزرگ اسلامی فقیه عالیقدر و مجاهد کبیر حضرت آیت الله العظمی واعظ رضوان الله تعالی علیه، به فراموشی سپرده شده، شعری که محتوایش صرف ارادت و اخلاص است سروده خودم و از خداوند توفیق ادامه را آن بزرگوار را برای همه روحانیت گرانقدر استدعا دارم.



دریغا زد دست رفت مولای ما  
همان رهبر دین و دنیای ما  
آیت الله واعظ شیرین سخن  
بود نام او نقش دل‌های ما  
ما نمی دانیم مزارش در کجاست  
نیست پیدا مرقد مولای ما  
گر جوادی روز و شب گرید کم است  
بر شهید عادل و پیشوای ما

سرور و سالار شهدای علمای افغانستان، حضرت آیت الله العظمی شهید واعظ<sup>(ره)</sup> علاوه بر فضل و دانش، او استاد سخن بود و خاطره مجالس سخنرانی پرنفوذش همچنان در کابل و هرجا که سفر کرده بود مورد تحسین و بزرگداشت اهل فکر و اندیشه قرار می گرفت و ارتباط عمیق با کلیه افشار امت اسلامی داشت. او قول را همواره با عمل همراه ساخته و در کار خیریه نیز پیشگام، فقرا و مستمندان را دست‌گیری و محرومین را یاری می رسانید که مهم ترین فعالیت خدماتی آن شهید بزرگوار عبارت بودند از:

۱. کمک به فقرا و مستمندان به شکل ثابت و موقت.
۲. کمک به مراکز و شخصیت های علمی و فرهنگی و نیز مراسم مذهبی.
۳. کمک های طبی از قبیل معانیات داکتر و پرداخت هزینه دواى مریض.
۴. کمک و تهیه سوخت زمستانی برای افراد بی‌بضاعت و خانواده های فقیر.

۵. کمک هزینه ازدواج جوانان نیازمند و فقیر، خصوصاً محصلین حوزوی و دانشگاهی.

۶. کمک رسانی در ماه مبارک رمضان به روزه داران مستمند. (۲۹)

حجت الاسلام والمسلمین دکتر سید محمد علی جاوید شخصیت علمی و سیاسی کشور که در دهه پنجاه در حوزه علمیه نجف اشرف علاوه بر ادامه تحصیل به تدریس ادبیات، فقه، اصول، منطق... کتاب «الفوائد فی توضیح الشواهد» را نوشت که اینک یکی از بهترین کتابهای ادبی نزد طلاب علوم دینی می‌باشد و او در آخر ۱۳۵۴ خورشیدی وارد حوزه علمیه قم به تحصیل و تدریس مشغول گردیده و مدرک لیسانس را از مرکز جهانی علوم اسلامی و سال ۱۳۷۴ به دریافت سند دکتری خویش را در سترمحکم افغانستانه دست آورد. (۳۰) آقای جاوید در رابطه با شخصیت علمی علامه شهید واعظ<sup>(ه)</sup> چنین اظهار می‌دارد:

شهید آیت الله سید محمد سرور واعظ<sup>(ه)</sup>، نه تنها یکی از مفاخر افغانستان، که از بزرگان علم و فقاها و اصول، در منطقه و حوزه های علمیه بودند. «مصباح الاصول» ایشان، که در علم اصول فقه، به تحریر آمده، اینک راهنمای مدرسین خارج اصول، در حوزه های علمیه نجف، قم، مشهد، و دیگر حوزات علمیه در جهان اسلام قرار گرفته است. شهید واعظ، خطیب بزرگ و نویسنده توانمندی بودند که هزاران نفر در پای منبر و خطابه های ایشان می نشستند و بهره می بردند. او بود که در زندان وحشت انگیز کابل، خاطرات زندان را در علم «اخلاق» چنان روان و بی تکلف نوشت که هر خواننده ای اعم از عالم و عامی، از آن بهره مند می شو د. او

شخصی متواضع، خوش برخورد، مرم دار و حلیم بود. اینجانب، آن شهید بزرگوار را طی سفری که از حج بر گشته بودند، در سال ۱۳۵۲ خورشیدی در نجف اشرف زیارت کردم.

سرانجام، حکومت رفقای خلقی و کمونیست های آدم گش، این فرزانه دوران را دستگیر و پس از شکنجه های ضد انسانی، در سال ۱۳۵۸ شمسی به شهادت رسانیدند. روحش شاد و یادش جاودان باد. رحمه الله و حشره مع اجداده الطاهرین. (۳۱)

مرحوم سناتور حاجی سلیمان یاری نماینده مردم ولایت میدان در دوره سیزدهم شورای ملی (۳۲) بود. به باور وی، «شخصیت علامه شهید واعظ<sup>(ه)</sup> نه تنها در جامعه تشیع افغانستان، بلکه در جهان اسلام سر زبانهاست، منبر آقای واعظ<sup>(ه)</sup> علاوه بر علمی بودن آن بایان ساده، شیرین، دلنشین، آموزنده و دلچسب و عام فهم برای همه بود، او عالم پاک نفس و سخنش در قلب مومنین تاثیر عجیبی می گذاشت. او در عین حال که فقیه و عالم به زمان بود ولی هیچگاه در برابر حکام مستبد سر تسلیم فرود نمی آورد، در ۲۶ سرطان ۱۳۵۲ خورشیدی وقتی صدر اعظم سابق (داود خان) دست به کودتا زد و با استقرار جمهوریت در افغانستان، ریاست جمهوری خود را اعلام کرد، تقاضای ملاقات با علمای طراز اول از جمله با علامه شهید واعظ<sup>(ه)</sup> را نمودند، در این ملاقات بعضی سران تشیع همانند؛ فرقه مشر فتح محمد خان، اگبرخان نرگس وکیل پنجاب در دوره سیزدهم مجلس نمایندگان و من (حاج سلیمان یاری)، شهید آیت الله واعظ<sup>(ه)</sup> را همراهی می نمودیم، من در این ملاقات حضور داشتم که حضرت آیت الله

واعظ<sup>(د)</sup> به داود خان توصیه کرد که به مطبوعات اجازه فعالیت دهید، اگر مطبوعات آزاد باشد برای شما بزرگترین کمک است، زیرا شما از طریق مطبوعات از همه مسایل که در کشور اتفاق می افتد آگاهی پیدا می کنید و نیز با مردم مهربان باشید.» (۳۳)

بتاریخ ۲۶ حوت ۱۳۸۹ خورشیدی، دومین سمینار بررسی اندیشه های مرزبانان اسلامی افغانستان در حوزه عملیه محمدیه (حضرت آیت الله العظمی شهید واعظ<sup>(د)</sup>) از سوی بنیاد فرهنگی، تبلیغی پیامبر اعظم<sup>(ص)</sup> با حضور شخصیت‌های سیاسی، علمی و فرهنگی کشور برگزار شد و سخنرانان در این سمینار یک روزه، به بررسی اندیشه های اساسی علمای شهید پرداختند، حجه الاسلام والمسلمین سید رحمت الله مرتضوی، رییس نمایندگی مجمع جهانی اهل بیت<sup>(ع)</sup> در افغانستان، جایگاه برجسته‌ی دینی و تاریخی علمای گذشته، مخصوصاً روحانیت شهید را به عنوان آموزگاران دینی و مصلحان اجتماعی خوانده و این مسؤلیت عظیم را متوجه نسل امروزی ساخته و گفت: «ما نسبت به همه شهدا، مخصوصاً شهدای روحانیت افغانستان که خون شان باعث قیام مردم مسلمان این کشور در برابر تجاوز، کفر و الحاد گردید، مرهون هستیم، تربیت و تلاش آنها بود که جامعه ما را دینی تربیت نمودند، اما از خون آنها درست پاسداری نشد، قیام مردم مسلمان افغانستان همگانی و برای دفاع از اسلام و استقلال کشور بود، زیرا اسلام و ارزشهای انسانی در آن زمان به خطر افتاده بود، برای اینکه کمونیست ناشیانه و بی خردانه کودتا نمودند و آنها تعرض به اسلام و شخصیت های دینی و متنفذ جامعه اسلامی نمودند و با

در افتادن با دین و سنت‌های دیرینه یک جامعه، باعث نابودی خودشان و مردم مسلمان ما گردید. کمونیست‌ها با همه چیز مبارزه کردند تا مردم را از علما دور و حاکمیت خودشان را تثبیت کنند، اما مردم مسلمان افغانستان در دوران جهاد وظیفه خودشان را انجام و شهدایی را تقدیم اسلام نمودند، ولی احزاب سیاسی این انقلاب را درست مدیریت نتوانستند و از سوی دیگر غربی‌ها نیز دنبال زمینه‌ای بودند تا از احساسات مردم مسلمان افغانستان استفاده کنند و تا امروز متأسفانه ما افغانها مدیریت از خود نداشته و نداریم؛ لذا با مشکلات زیاد روبرو بوده و هستیم و با تأسف که برخی‌ها با غفلت از مفاخر دینی به بعضی‌ها از مسایل بی‌اهمیت می‌پردازند؛ مردم ما باید بدانند که علمای بزرگوار در چه شرایطی برای حفظ دین و اقامه شعائر اسلامی زحمت کشیده‌اند و اگر این بزرگان دین نبودند، امروز نیز از احکام الهی خبری نبود.

شهید آیت الله واعظ<sup>(ره)</sup> فقیه آشنا با تفسیر، فلسفه و اخلاق و خطیب پرآوازه بود، یکی از ویژگی‌های علمای گذشته این بود که آنها کاری نمی‌کردند که فضل خود را به رُخ دیگران بکشانند و در آن زمان، عنوان «آیت الله» فقط به حضرت آیت الله العظمی واعظ<sup>(ره)</sup> اختصاص داشت و مثل حالا نبود که هرکسی خود را آیت الله قلمداد نماید، در حال حاضر زحمت طلاب و اهل علم در مقایسه با زمان‌های قدیم بسیار کمتر است. خدمات و تلاش ارزنده آن عالمان پُرتلاش و مخلص سبب پویایی حوزه علمیه وقت شده بود و آنها با تربیت طلاب و فضیلت بسیار، ارزشهای دینی را حفظ کردند و در این راه فداکاریهای فراوانی را انجام دادند و

امروز این میراث به ما سپرده و باید از زحمات آنان قدر دانی و خدمات آنها را به جوانان و نسل امروز کشور شناساند.» (۳۴)

بتاریخ ۱۱ دلو ۱۳۹۰ خورشیدی سومین سمینار بررسی اندیشه‌های مرزبانان اسلامی از سوی بنیاد فرهنگی تبلیغی پیامبر اعظم (ص) در مسجد محمدیه تپه سلام کابل (شهید آیت الله العظمی واعظ<sup>(ه)</sup>) برگزار گردیده بود، در این سمینار علما، دانشمندان، اساتید دانشگاه، نمایندگان شورای ملی و تعداد کثیری از شهروندان کابل اشتراک داشتند و یکی از سخنرانان سمینار نامبرده، حجة الاسلام والمسلمین شیخ غلام حسین ناصری نماینده مردم میدان وردک در شورای ملی بود که وی در رابطه با شخصیت علامه شهید واعظ<sup>(ه)</sup> گفت: «اولین افتخارم اینکه من طلبه مدرسه محمدیه هستم و از گوشه سفره مکتبی به نام امام جعفر صادق (ع) و همین مرکز، بخش مهم از عمرم در همین جا مدیریت و تربیت یافته و بر اساس شناختی که دارم، باید اظهار نمود که شرایط علمای آن روز با شرایط علمای فعلی ما کاملاً متفاوت و آن عالمان دلسوز، هیچگاه از اعتقادات شان دست نکشیدند، بعنوان پرچمدار دینی، رسالت شان را خوب انجام دادند.

کتاب «خاطرات زندان و یادی از اخلاق اسلامی» حضرت آیت الله العظمی شهید واعظ<sup>(ه)</sup> را با آن ادبیات بخوانیم، در می‌یابیم که علمای گذشته با دهها چالش و موانع، افراد جامعه را خوب تربیت و مدیریت نمودند که ما امروز در افغانستان چیزی را به نام تدین و دینداری شالوده فکر و زحمات آنها می‌دانیم.

خیلی‌ها کتاب نوشته‌اند، اما ادبیات که در آثار حضرت آیت الله شهید واعظ<sup>(ره)</sup> مخصوصاً در کتاب «مصباح الاصول» بکار برده شده، با آن روش عربی فصیح، حتی کتاب «محاضرات» حضرت آیت الله العظمی فیاض آن ویژگی را ندارد، محاضرات بسیار بحث‌های اجمالی دارد، آنهاییکه «محاضرات» و «مصباح الاصول» را دیده‌اند، از لحاظ ادبیات هرگز محاضرات به پایه «مصباح الاصول» نمی‌رسد، حتی مجتهدین بزرگی که تقریرات نوشته‌اند، وقتی انسان این قلم را می‌بینند، متوجه می‌شوند که حضرت آیت الله شهید واعظ<sup>(ره)</sup> در کتاب «مصباح الاصول» از همان عبارات ناب قرآنی استفاده نموده‌اند، آنچنان فصاحت و بلاغت دارد که در حوزه‌های علمیه دیروز و امروز در شیوه و اسلوب و تقریرات نویسی، نمی‌گویم که صد درصد بی‌نظیر می‌باشد و دیگر رقیب ندارد ولی کم‌نظیر است.

وقتی که این عالم در همین پایگاه و فضا صحبت می‌کرد، خدا می‌داند که آن روزگار غوغا می‌شد، بخش عظیم از این فضای مدرسه و احاطه این حوزه دینی با آنکه آن زمان موثر کمتر بود، ولی مردم از سراسر کابل کارهای شان را تعطیل می‌کردند و به پای سخنرانی او می‌آمدند، در عاشورا سرک‌ها از کثرت جمعیت بند می‌شد، در حالیکه امروز سرک‌ها در عاشورا بند نمی‌شود، اما ایشان سخنرانی که می‌کرد با همان ادبیات قوی و دلنشین که نظیر خود را در تاریخ معاصر کشور ندارد.

اگر ما امروز به درستی حادثه غم‌انگیز در عاشورای امسال را تجزیه و تحلیل نماییم، به این نتیجه خواهیم رسید که بعضی از حلقات سیاسی ما

کُند حرکت نمودند که به مصلحت مردم ما نبود، بعضی‌ها از این قضیه موج سواری کردند و شعار دادند که ما این طوری هستیم، بزرگان و علما به یاد دارند که قطعا آن زمان اینگونه نبود، وقتی که کتاب «سیف‌الابرار» توسط شخص بنام ملا مبارک چاپ و به نشر سپرده بود و در آن تمام اعتقادات تشیع را در رابطه با «یزید» زیر علامت سوال بردند، علمای دیروز با دایر نمودن جلسه در یکی از اطاق‌های مدرسه محمدیه مشوره براین شد که بدون غوغا سالاری اقدام نمایند و حضرت آیت الله العظمی شهید واعظ<sup>(ره)</sup> برای یک هفته درس را تعطیل و کتاب «سیف‌الاسلام» را نوشت که بعد از آن توسط وزارت اطلاعات و فرهنگ رژیم آن روز مجبور شد تا اعلامیه‌ای از رادیوی افغانستان به نشر برسانند که بعد از این هیچ کس حق ندارند، کتاب «سیف‌الابرار» را چاپ و توزیع نمایند. اما امروز متأسفانه حوزه‌های علمیه کابل پاسخگوی نیازمندیهای جامعه اسلامی فعلی ما نیستند، باید با مدیریت درست از این حالت به در رفت و بتوانیم خلاء که به واسطه شهادت همین پرچمداران دینی به وجود آمده، رفع نماییم، که برگزاری همچو سمینارها و معرفی چهرهای علمی پرچمداران دینی که با دادن خون شان از جان گذشتند و با سرنوشت و قیودات دینی ما با هیچ جریانی وارد معامله نشدند درس گرفته و تلاش‌های آنها برای ما سرمشق قرار گیرد.» (۳۵)

حاج براتعلی رضایی مشهور به حاجی معاون، کاکای شهید مشتاق، اصالتاً از قوم خالق کجباب بهسود، متعلق به یک خانواده خیر و متدین که این خاندان در دوران جهاد نیز بنابر تباط و همکاری با مجاهدین، شهدایی را



در جبهات علیه کمونیست‌ها و زندان‌پلچرخی تقدیم نمودند. خاندان «رضایی» قبل و بعد از جهاد با اکثریت شخصیت‌های علمی و خدمتگذار کشور، از جمله علامه شهید واعظ<sup>(ره)</sup> روابط حسنه داشتند و او را مرجع رجوع حل مشکلات خویش و در انجام تکالیف شرعی و واجبات دینی مانند سایر مومنین به دستوراتش عمل و آنها مرید و مخلص علمای خدوم بوده و هستند. (۳۶)

من در سال ۱۳۵۱ خورشیدی، شاهد بزرگترین و تاریخی‌ترین استقبال آیت‌الله شهید واعظ<sup>(ره)</sup> در حصه اول و دوم بهسود بودم، صف مستقبلین در حصه اول بهسود، از کوتل «سبزک» تا قول «قندی» امتداد داده بود، این استقبال با شکوه مردم در دهن آبدره و کجابهسودین، حاکی از عشق و علاقه بی‌نظیر آنها به حضرت آیت‌الله شهید واعظ<sup>(ره)</sup> بود.

در همان سفر، من در خدمت ایشان بودم وقتی که حضرت آیت‌الله واعظ<sup>(ره)</sup> به کجابه رسیدند، در آنجا نیز استقبال بی‌سابقه مردم، عظیم و غیرقابل انکار بود، این عالم بزرگوار طی بیاناتی کوتاهی از مردم تشکری نموده و جملات بسیار زیبا فرمودند و گفتند من نمی‌خواهم که شما مردم از سخنرانی من تعریف کنید و من فقط می‌خواهم چیزی بگویم که به درد شما مردم بخورد، حضرت آیت‌الله واعظ<sup>(ره)</sup> با سخنانش اشک‌های مشتاقان را بر گونه‌هایشان جاری کردند. در مدتی که حضرت آیت‌الله در بهسود بودند مردم از مناطق دور دست و ولایات همجوار جهت حل منازعات شان به حضرت آیت‌الله مراجعه می‌نمودند

و او همیشه دعاوی مردم را طوری حل می کرد که فیصله اش مورد قبول هر دو طرف واقع می شد.

حضرت آیت الله العظمی واعظ<sup>(ره)</sup> خیلی مورد احترام مردم مناطق مرکزی بود و آنها خیلی به ایشان خیلی عقیده داشتند و از جمله داستانی را پسرعمه ام حاج جمعه حیدری که فعلا در دارالامان کابل ساکن هستند، چندین بار آن را چنین به من نقل نمودند:

حدود هشت سال از عروسی ام می گذشت، مرحوم پدرم حاجی رمضان که در دهن گرماب زندگی می نمودیم به من پیشنهاد نمود که به زیارت امام زاده سیدیحیی مشهور به شاه قلندر در چک وردک برویم، وقتی به زیارت شاه قلندر رفتیم همزمان، شهید آیت الله واعظ<sup>(ره)</sup> نیز از کابل به زیارت آن امامزاده بزرگوار آمده بودند، پدرم موضوع را با آیت الله واعظ در میان گذاشت و گفت: حدود هشت سال از عروسی فرزندم می گذرد و اما دارای فرزندی نشده است. آیت الله شهید واعظ در حق حاج جمعه حیدری دعا می کند و می فرماید که خداوند پنج فرزند صالح برایت عنایت فرماید و من هم اکنون از برکت دعای حضرت آیت الله شهید واعظ<sup>(ره)</sup> از همان همسرم پنج پسر دارم.» (۳۷)

علامه شهید واعظ<sup>(ره)</sup> انسان متعهد بود، در برابر خدا و مردم احساس مسئولیت می کرد، سالها در حوزه‌ای علمیه نجف اشرف و افغانستان به تحصیل، تدریس، تبلیغ و تربیت شاگردان اشتغال داشت و مورد توجه مراجع و شخصیت های مطرح آن زمان بود.

وی در شیوه‌ای تبلیغ و سخنوری و موعظه نیکو، مصداق بارز این آیه

قرآن کریم: «ادْعُ إِلَى سَبِيلِ رَبِّكَ بِالْحُكْمِ وَالْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ وَ جَدِلْهُمْ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ إِنَّ رَبَّكَ هُوَ أَعْلَمُ بِمَنْ ضَلَّ عَنْ سَبِيلِهِ وَ هُوَ أَعْلَمُ بِالْمُنْتَهِينَ» (۳۸) بود. او هرگز از این شیوه‌ای مرضیه خارج نشد، بسیاری از سخنرانان حرف خوب دارند، ولی خوب حرف نمی‌زنند، همچنین عکس آن نیز فراوان است، ولی علامه شهید واعظ<sup>(ه)</sup> هم خوب حرف می‌زد و هم حرف خوب داشت، به قدری موعظه او جذاب و گیرا بود، که وی را در حوزه‌ی علمیه نجف به واعظ لقب گذاشتند. ایشان به اندازه‌ای تأثیر نفس داشت که در پای منبرش هنگام خواندن آیات و احادیث، مردم مانند هنگام ذکر مصیبت امام حسین<sup>(ع)</sup> ضجّه می‌زدند و گریه می‌کردند.

منبرهایش تجسم وحدت مردم بود، انبوه جمعیت و استقبال مردم از رهبر شان، حکومت خود کامه وقت را به وحشت انداخته بود، و به همین دلیل چندین مرتبه ایشان را زندانی سیاسی نمودند.

آری! عالمان هشیار دین، هرگز مرغوب زرق و برق‌ها و تحت تأثیر حکومت‌های ظالم نمی‌شوند و آنها با نیروی ایمان که داشت، در زندان نیز مشغول خدمت برای مؤمنین می‌شود، کتاب ارزنده‌ای خاطرات زندان و یادی از اخلاق اسلامی (که شامل مباحث اخلاقی و تشریح قوانین نفسانی جهت تزکیه و تصفیه باطل از رذایل اخلاقی) را در زندان دهم‌زنگ کابل می‌نویسند، تنها، منبع مورد استفاده در زندان، قرآن کریم بوده و بنابراین رمز موفقیت آن مجتهد بزرگوار، زهد، تقوی، توکل و توسلش بخداوند و ائمه اطهار<sup>(ع)</sup> بوده است.

### تالیفات و آثار قلمی علامه شهید واعظ<sup>(ره)</sup>

علامه شهید واعظ<sup>(ره)</sup>، علاوه بر اشتغال به امر تحقیق و تدریس در بالاترین سطوح حوزه که همان «درس خارج» باشد، نویسنده و اهل قلم بود و آن فقیه شهید به طور عمده آثار خود را به زبان های عربی، فارسی و پشتو تالیف می کرد، نثر عربی و دری شهید واعظ<sup>(ره)</sup> از نثرهای ساده و بی تکلف علمی است.

علامه شهید واعظ<sup>(ره)</sup> در زندان نیز از تلاش باز نمی ایستد، برای علمای سنی و شیعه که هم زمان با او زندانی شده بودند از کتب فقهی هر دو مذهب به زبان های پشتو و فارسی مبادرت می ورزد و نیز کتاب «خاطرات زندان و یاد از اخلاق اسلامی» را با استفاده از یک پنسل و پاکت های چای و... بر رشته‌ی تحریر در می آورد. (۳۹)

معظم له در فقه و اصول و همچنان در معرفی اسلام ناب محمدی<sup>(ص)</sup> و دفاع از کیان مقدس اهل بیت عصمت و طهارت<sup>(ع)</sup> آثار ارزنده از خویش به یادگار گذاشته که به مهم ترین و مشهورترین آن ها عبارتند از:

۱. اولین و بهترین مباحث اصولی به نام «مصباح الاصول» است که نشانه‌ی قدرت علمی و قلم شیوای وی می باشد. به همین دلیل بود که آیت الله العظمی خوئی<sup>(ره)</sup> در تقریظ خویش بر این کتاب می نویسد: «من آنچه از تقریرات درس هایم را دانشمند فضیلت مآب، فخر الافاضل الکرام سید محمد سرور واعظ بهسودی به رشته‌ی تحریر در آورده است، ملاحظه کردم و آن را دارای حسن تعبیر، وضوح بیان و جامع بین، ایجاز، بلیغ و

توضیح کافی یافتیم. خداوند چشم او را روشن کند، همان گونه که دیدگانم را روشنائی بخشید و دانش را به دست او و امثالش گسترش دهد...»  
مصباح الاصول در چهار جلد به گونه‌ی عمیق نگاشته شده که از کمال علمی مؤلف عالی قدر آن حکایت می‌کند، تا آنجا که در ردیف کتب درسی حوزه های علمیه مطرح می‌گردد. این خود نشان دهنده‌ی وسعت علمی او می‌باشد. (۴۰)

۲. اولین کتاب اخلاق در افغانستان و اولین کتاب نوشته شده در زندان‌های افغانستان توسط یک زندانی سیاسی بر روی کاغذهای باقی مانده از پاکت‌های چای و شکر به نام «خاطرات زندان و یادی از اخلاق اسلامی»  
۳. سیف الاسلام (در پاسخ به کتاب سیف الابرار بعنوان رفع شبهه تحریر یافته است).

۴. کتابی راجع به مسایل مربوط به آب کر بنام تحفه الفقیه (تحدید ما أ لکر)

۵. قضاء در مکتب تشیع

۶ - تقریرات مکاسب

۷. تقریرات درس کفایه ایشان

۸. تقریرات درس خارج، توسط یکی از شاگردانش آقا سید سعید واعظی

۹. نهج الوصول (فی شرح کفایه الاصول) توسط یکی دیگر از شاگردانش مرحوم حضرت آیت الله سید محمد تقی وحیدی<sup>(ه)</sup>

۱۰. تقریرات بحث استصحاب

۱۱. تحریر گرامر صرف و نحو به در زندان به پشتو جهت تدریس ادبیات

عرب به زندانیان پشتو زبان

۱۲. انتشار نشریه‌ی ارزشمند برهان که تا یازده شماره پیش رفت، که تعداد کثیری از علماء و دانشمندان اهل تشیع و اهل تسنن در آن مجموعه‌ی پر بار آثار جاودانه آفریدند» (۴۱).

### شاگردان علامه شهید واعظ<sup>(ره)</sup>، پیشگامان جهاد فرهنگی

علامه شهید واعظ<sup>(ره)</sup> سالهای طولانی در حوزه های علمیه نجف و کابل در سطح بالا (درس خارج) تدریس می کرد و مواد درسی او نیز به طور عمده فقه و اصول، منطق و فلسفه و اخلاق و نهج البلاغه بوده است. نخستین هسته مرکزی احزاب جهادی، مخصوصاً آن عده اهل علم که عضو شورای مرکزی حزب حرکت اسلامی بودند، برای ایجاد یک نهضت فکری پویا از شاگردان و بیت این عالم ربانی تشکیل داده بود.

نقش پررنگ شاگردان علامه شهید واعظ<sup>(ره)</sup> در ساختار جهاد اسلامی مردم افغانستان، در محوریت آیت الله محسنی بعنوان همکار به روشنی قابل رؤیت است که هرکدام نقش برجسته در پیروزی جهاد و تحکیم مبانی فکری، معرفتی، سیاسی و اخلاقی جهاد اسلامی مردم افغانستان تبیین نمودند و در این بخش اکتفاء می کنم به ذکر نام برخی آن عده از شاگردان علامه شهید واعظ<sup>(ره)</sup> که به دروس سطوح عالی و خارج اصول معظم له شرکت داشتند:

۱. حضرت آیت الله العظمی محقق کابلی

۲. مولانا شهید محمد ابراهیم مجددی<sup>(ره)</sup>

۳. حضرت آیت الله سید ابوالحسن فاضل<sup>(ره)</sup>

۴. مولانا شهید محمد امان مشهور به خان مولوی<sup>(ره)</sup>
۵. حضرت آیت الله سید محمد تقی وحیدی<sup>(ره)</sup>
۶. مرحوم مولوی عمرجان<sup>(ره)</sup> که هم اکنون مسجدی در نزدیک پل سرخ کابل به نام اوست.
۷. حضرت آیت الله دکتر سید محمد کاظم مصطفوی
۸. مرحوم مولوی وردک<sup>(ره)</sup>
۹. حضرت آیت الله شیخ هاشم صالحی مدرس
۱۰. حضرت آیت الله سید حسین جوادی
۱۱. مرحوم آیت الله شیخ نوروز دایمرداد
۱۲. شهید آیت الله سید محمد حسین معصومی<sup>(ره)</sup>
۱۳. مرحوم آیت الله حاجی محمد بیک<sup>(ره)</sup>
۱۴. مرحوم آیت الله سید خادم حسین عادل<sup>(ره)</sup>
۱۵. شهید علامه شیخ اسماعیل مبلغ
۱۶. حجت الاسلام والمسلمین حاج سعید جان آخوند
۱۷. مرحوم حجت الاسلام والمسلمین سبحانی قره باغ غزنی
۱۸. آیت الله حاج سید محمد آخوند دایمرداد<sup>(ره)</sup>
۱۹. آیت الله شیخ عوض احمدی قل خویش

### چگونگی شهادت علامه واعظ<sup>(ره)</sup>

پس از کودتای ۷ ثور ۱۳۵۷ خورشیدی توسط کمونیست‌ها در افغانستان، آن‌ها با شعار آزادی، عدالت، مساوات، نان، خانه و مسکن، کار سیاسی شان را آغاز کردند، کمونیست‌ها با تکیه به سیستم تک حزبی، تندروری و کشتار را حاکم ساختند که در حکام گذشته و پس از حاکمیت کمونیست‌ها، افغانستان هرگز نظیرش را نداشت. پس از به قدرت رسیدن کمونیست‌ها، تمام گروه‌های مختلف، توسط زور و قدرت سرنیزه، منحل و نابود گردیدند؛ آزادی‌های فردی طبیعی و مدنی، در سایه‌ی شعارهای کلیشه‌ای مارکسیستی، به کلی معنا و مفهوم خود را از دست دادند، اندیشمندان اسلامی، سیاستمداران و شخصیت‌های متنفذ اجتماعی، مورد تعقیب قرار گرفته، زندانی، تیر باران، زنده‌به‌گور یا متواری شدند.

در ماه حوت ۱۳۵۷ خورشیدی قیام‌های خونینی در کابل، دره صوف، هرات و برخی نقاط دیگر افغانستان رُخ داده و کشتارهای دسته‌جمعی توسط کمونیست‌ها صورت گرفت، که از آن جمله فاجعه‌ای شهادت جمعی کثیری از زندانیان پلچرخ‌ی در حوت ۱۳۵۷ خورشیدی فصل خونینی در تاریخ کشور افغانستان بود؛ فصلی که ایادی سرسپرده، ماهیت پلید خود را نشان دادند و برگزیدگان ملت مسلمان افغانستان اعم از سنی و شیعه را در مسلخ عشق بردند؛ از جمله شهیدان این فاجعه‌ی دردناک علامه شهید واعظ<sup>(ره)</sup> است؛ او نخستین زندانی سیاسی از میان علما و مبارزان اسلامی معاصر بود که توسط کمونیست‌ها زندانی و به شهادت رسید. (۴۲)



به گفته سناتور یاری، بعد از بقدرت رسیدن کمونیست‌ها، دفعه اول که علامه شهید واعظ<sup>(ره)</sup> دستگیر شدند، جمعی از علمای شیعه که من نیز در جمع حضور داشتم، نزد تره کی رفتیم، علامه شهید مصباح<sup>(ره)</sup> به نمایندگی از علما صحبت نموده و به تره کی گفت: «اگر آیت الله واعظ گناهی دارد به ما بگویید تا ما به مردم ابلاغ کنیم و در غیر آن باید آزاد شود، تره کی وعده داد که آیت الله واعظ آزاد می‌شود، وقتی آقا آزاد شد، بمناسبت سالروز شهادت موسی ابن جعفر<sup>(ع)</sup> در مدرسه محمدیه تپه سلام جلسه بزرگی را گرفتند، اکثر علما و منتقدین تشیع حضور داشتند، علمای بزرگ افغانستان در آن جلسه بعضی مسایل از جمله خطر کمونیست را به مردم ابلاغ نمودند، چند روز بعد لیست دستگیری بعضی علما توسط افراد نفوذی در حکومت به من رسید و من تصمیم دولت کمونیستی را به شهید آیت الله واعظ<sup>(ره)</sup> خبر دادم ولی ایشان تحت نظر بود و مشکل بود از کابل بیرون شود.» (۴۳)

در مورد تاریخ شهادت علامه شهید واعظ<sup>(ره)</sup> اقوال گوناگونی وجود دارد، اما داکتر سید جواد واعظ زاده اینگونه بیان می‌کند: «وقتی کمونیست‌ها به قدرت رسیدند افراد متعددی از سوی حکومت به منزل حضرت آیت الله واعظ<sup>(ره)</sup> می‌آمدند از آقا تقاضای همکاری با دولت را داشتند، از جمله کسی که من نمی‌خواهم از او نام ببرم چند بار خدمت آقا رسید و گفت: استاد ببرگ می‌گه که از آقای واعظ خبری نیست، نه نامه و نه تلگرافی و نه اعلام حمایتی و اما پاسخ آقا به آن شخص این بود که من در حکومت‌های قبلی نه نامه نوشتم و نه تایید کردم و با شما نیز همکاری نخواهیم کرد.

یک دگروال متقاعد که در بخش مطبوعات نیز فعال بود، در اوایل کودتای کمونیستی چندین بار به آقا مراجعه نموده و می‌گفت که شما یک نامه و یا تلگرافی به دولت جدید بفرستید که آقا از این پیشنهاد سر باز زد، اما روزی آخر که او به منزل ما آمده بود، کنار در اطاق ملاقات آقا نشست و او یک برگ کاغذی را از جیبش در آورد و گفت که کافیست همین کاغذ را امضا کنید و بقیه کارها با من و من یادم هست که آقا خیلی بر افروخته شد و آن فرد را با اسم کوچکش یاد کرد و گفت فلانی من سواد و خطم از خودت کرده بهتر و قشنگ تر است، اگر بخواهم نامه بنویسم خودم می‌نویسم، همین‌که گفتم نمی‌نویسم کسی مرا به این کار وادار نمی‌توانند، یادم هست که آن مرد از جایش بلند شد و گفت آقا صاحب دولت خلقی یا دوست دارد و یا دشمن، اما بدانید که این دولت با دشمنان خود رحم نمی‌کند، و من خواستم فقط همین موضوع را با شما یاد آوری کنم، آن شخص رفت و دیگر نیامد که بعد از مدتی برای بار اول حضرت آیت الله واعظ شهید دستگیر شد.

بار اول دو ماه بعد از کودتای کمونیست ها دستگیر شدند و ۲۵ روز در زندان بودند(دو هفته در بخش استخبارات وزارت داخله و بقیه اش در زندان پلیچرخی بودند، اما دفعه دوم که آخرین بار دستگیری حضرت آیت الله واعظ بود، سه ماه در خانه بودند و دستگیری بار دوم حوالی ساعت ۳ بعد از ظهر که آن وقت من محصل دانشکده انجینیری بودم، از دانشگاه به خانه آمدم دیدم که دو فرد ملکی با قاری شهید نجف علی نجاتی در گیری داشتند و می‌گفتند که سید کجارت؟

شهید نجانی سعی می کرد آنها را راضی کند و برگردد و می گفت من ضامن هستم که او جایی نمی رود، من به آنها توجه نکردم داخل منزل شدم، دیدم که آقا در حیاط منزل وضو می گیرد، سلام کردم و حضرت آیت الله به من گفت: دیدی که مامورین آمدند!

گفتم آری! وقتی که وضویش تمام شد، چیزی از جیب خود کشید و به من داد و گفت: پسر، این یاد گاری از من نزد تو باشد، اگر خواستم پیام بدهم با همین نشانی پیام مرا دریافت کن. وقتی از جایش بلند شد و من خواستم او را دلداری بدهم گفتم پدرجان! خداوند با ماست. و آقا مرا مورد خطاب قرار داده و گفت: فرزندم من از دین خود نمی گذرم و بر عقیده خود استوار هستم و با لبخندی گفت: هر کی نوبتش رسید معلوم می شود، بعد به سوی در بیرون منزل حرکت کرد و آن دو نفر ملکی دست از مولوی نجاتی برداشتند و آقا را سوار بر موتر به همراه شان بردند و همان دیدار آخر من با آیت الله شهید واعظ بود.

من شماره موتر را گرفته و روز بعد به وزارت داخله رفتم، وقتی در قومندانی وزارت داخله وارد شدم، در آن وقت سید داوود تنور، قوماندان عمومی پولیس و امنیت بود، من با جمعی از بستگان دیگر زندانیان وقتی به آنجا رفتم و خودم را معرفی نمودم که من پسر آیت الله واعظ هستم، او شروع کرد به فحاشی که پدر تو یک آدم خاین بود و ما نصیحتش کردیم که بر علیه دولت اقدام نکند ولی به حرف ما گوش نداد. او در پایان گفت، پدر تو یک وطن فروش بود. من آن وقت جوان بودم و این حرف خیلی برایم سنگین تمام شد و به عنوان اعتراض گفتم جناب قومندان مردم

خانه و زمین می فروشند ولی کسی وطن را نمی فروشند، او در پاسخ من گفت که پدر تو چنان خاین بود که حتی وطن را هم فروخته و ما او را با سند گرفتارش کردیم، من گفتم که حالا افغانستان تلویزیون دارد، اگر واقعا سندی علیه او دارید در تلویزیون، آن سند را به مردم نشان دهید تا همه بدانند که چنین خاینی هست. سرش را پائین نموده و اندکی درنگ کرد، سپس سرش را بلند نموده و گفت: لازم نیست، برایت واضح میگویم که پدرت سرش را خورد، نیاز به لباس هم ندارد، برو گم شو!

این بیان صریح بود که آقا به شهادت رسیده و من بی اختیار گفتم که من پسرش هستم پس جنازه اش را به من تحویل دهید که دفنش کنم، مثل اینکه حرفی بدی برایش گفته باشم و با عصبانیت از جایش بلند شد و با سخن زشت و دور از اخلاق انسانی به من گفت: از اینجا برو و گرنه ترا هم نزد پدرت می فرستم و یکی از کارمندانش سیلی محکمی به صورتم زده و مرا از دفترش بیرون کرد. پس از آن، برای مدتی، من گاهاً از صبح تا نزدیک غروب آفتاب به درب زندان پلچرخی می رفتم و منتظر می ماندم و از سرباز و نگهبانان زندان پلچرخی معلومات می گرفتم و می گفتم پدرم با این نشانی و علامات اینجا زندانی بوده به ما معلومات دهید، آنها می گفتند نه با این مشخصات کسی در اینجا زندانی نیست و تا وقتی ما در افغانستان بودیم و مجبور به ترک کشور نشدیم، این کار را ادامه می دادیم و از زندان پلچرخی خبر می گرفتیم، وقتی که به آلمان رفتم و در آنجا با سازمان عفو بین الملل تماس گرفتم، آنها نیز به ما کمکی نتوانستند تا اینکه در سال ۱۳۶۷ خورشیدی (۱۹۸۹ میلادی)، بعد از خروج قوای اتحادی

شوروی سابق از افغانستان، داکتر نجیب‌نامه ای همراه لیست بیست و پنج هزار نفر به وزیر خارجه وقت انگلیس داده و آن لیست در اختیار سازمان عفو بین‌الملل داده شد، سازمان عفو بین‌الملل آن لیست که به دری بود لیستی دیگری با حروف لاتین درست کرده بود و از همان طریق همان برگه که نام آیت الله واعظ<sup>(ه)</sup> بود که در همان سال ۱۳۶۸ خورشیدی (۱۹۹۰ میلادی) حدود ۲۳ سال پیش یک ورق آن که اسم آقا بود به ما و ما آن را تا حالا در اختیار داریم و او بیانگر این بود که آنها در همان اوایل دستگیری به شهادت رسیدند و ظاهراً گفته‌ی تنور ملعون، درست بوده است.» (۴۴)

«عادت حضرت آیت الله العظمی شهید واعظ<sup>(ه)</sup> این بود که علاوه بر یادبود از دیگر مناسبت‌های دینی، همه ساله، مراسم سخنرانی و روضه بمناسبت سالروز شهادت امام موسی ابن جعفر<sup>(ع)</sup> می‌گرفتند، بار اول در سال ۱۳۵۷ که حضرت آیت الله واعظ<sup>(ه)</sup> دستگیر شد و برای ۲۵ روز موقتاً آزاد گردید، آن روزها همزمان با آخر ماه رجب (۲۵ رجب ۱۳۹۸ هجری قمری، برابر ۹ سرطان ۱۳۵۷ خورشیدی) مصادف بود، سه روز مراسم سوگواری در مدرسه محمدیه تپه سلام برگزار شد که حضرت آیت الله محقق کابلی، علامه شهید ناصر و علامه شهید مصباح در این مجالس سخنرانی نمودند، پس از برگزاری این جلسات آیت الله واعظ جهت توزیع مواد سوختی زمستانی به مستمندان در غرب کابل رفته بود، موقع بازگشت به منزلش ماموران حکومت کمونیستی وی را دستگیر و پس از مدتی در زندان پلچرخ‌خی وی را به شهادت می‌رساند.» (۴۵)

«پس از کودتای مارکسیستی در ۷ ثور ۱۳۵۷ من (سید عبدالعظیم هاشمی) با حزب حرکت اسلامی در پخش شب‌نامه با مجاهدین همکاری می نمودم، روزانه جهت امرار معاش، مقابل مسجد پل خشتی مغازه ای انتیک فروشی داشتم، در همان سال، یکروز شهید بصیر<sup>(ره)</sup> که بتازگی از بهسود بازگشته بود، به مغازه ام آمد، اما بعد از لحظاتی دو نفر مسلح آمدند و مغازه را مسدود کردند، من و شهید بصیر را به ریاست خاد شش دَرک و از آنجا ما را به بازداشتگاه صدارت و به زندان پلچرخی منتقل نمودند. من در زندان اکثر علما و دانشمندان شهید را ملاقات نمودم، دوازده شب با شهید آیت الله بحر مزاری در یک سلول بودم، او فقط شکر خدا را می نمود و ذکر همیشگی اش این بود: «الحمد لله كما اهله» و در موقع وضوگرفتن و اقامه نماز شهید علامه ناصر(او خیلی با روحیه بود و ما را نیز روحیه می داد)، شهید آیت الله عالم، شهید علامه مصباح، شهید استاد فضیلت، شهید استاد نهضت، شهید سید سکندر شاه مظفری (پدر قطره و ذره) و حدود پانزده تن از شخصیت های معروف را در زندان دیدم، چنانچه گفته می شد که شهید آیت الله واعظ، شهید استاد بنیش، شهید عالمشاهی و بعضی دیگری از بزرگان را قبل از انتقال ما به زندان پلچرخی (حدود نیمه ماه دلو ۱۳۵۷ خورشیدی)، آنها را به شهادت رسانیدند و به گفته بعضی سربازان مسلمان که شاهدان عینی بودند، می گفتند: «شبها بصورت جمعی تعداد از زندانیان را با چشم بسته به میدان تیر اندازی می برند و بعد از شهادت شان، آنها را با بلدوزر داخل چاله ها می اندازند.» شبی که همزمان با کشته شدن سفیر امریکا در کابل، ۲۵ دلو ۱۳۵۷

خورشیدی (۱۴ فبروری ۱۹۷۹ میلادی) بود، شهید آیت الله عالم و شهید علامه ناصر را با دست‌های بسته به قربانگاه بردند.» (۴۶)

علامه شهید واعظ<sup>(ره)</sup> از تبار امام زاده سید یحیی مشهور به شاه قلندر<sup>(ره)</sup> و خاندان بزرگ سادات بهسود، ویژگی و خصوصیات چون؛ علم، فضیلت، دیانت، قضاوت، سیادت و شهادت را در خود گرد آورده است.

بنابراین، بسیاری از بستگان این سلسله از عالمان با تقوا و با فضیلت هستند، علم و برازندگی‌های اخلاقی، مهم‌ترین پایه و رکن اصالت خاندان علامه شهید واعظ<sup>(ره)</sup> است و این خاندان اصیل که دارای پیشینه روشن و شناخته شده در تاریخ اسلام است، از ذریه‌ی رسول خدا<sup>(ص)</sup> و از مصادیق بارز و تفسیر عینی کوثر النبی است.

علامه شهید واعظ<sup>(ره)</sup> یکی از علمای طراز اول افغانستان است که مقام علمی، فضل، لیاقت و کمالش بر اهل علم در همه حوزه‌های علمی کشورهای اسلامی پوشیده نیست.

علامه شهید واعظ<sup>(ره)</sup> برای حوزه‌های علمی علاوه بر دیگر آثار سودمند خویش، کتاب ارزشمند «مصباح الاصول» را تحویل حوزه‌های علمی داده تا پویندگان معارف اسلام از آن بهره بردارند و پس از بقدرت رسیدن کمونیست‌ها در افغانستان، جهان اسلام ستاره‌ای پرفروغ، همانند؛ علامه شهید واعظ<sup>(ره)</sup> را از دست داد و آن شهید بزرگوار ماه دلو ۱۳۵۷ خورشیدی در زندان پلچرخی جام شهادت را نوشید و بدین‌گونه، جایش را برای همیشه خالی گذارد!

یادش گرامی و راهش پر رهرو باد.

پی نوشت ها:

۱. نسبت این دودمان به زید شهید که فرزند علی بن الحسین<sup>(ع)</sup> است می‌رسد.
۲. علامه مجلسی، بحار الانوار، چ چهارم، تهران، اسلامی، ۱۳۶۲، ج ۲، ص ۷۲؛ و دکتر محمد باقر حجتی، آداب تعلیم و تعلم در اسلام، ترجمه منیه‌المیرید شهید ثانی، چ دوازدهم، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۶۴، ص ۲۴۷.
۳. اصول کافی، ج ۱، ص ۴۴.
۴. تاریخ طبری، ج ۷، ص ۳۰۰؛ مقتل خوارزمی، ج ۲، ص ۵؛ اللهوف، ص ۷۹.
۵. آخرین سخنرانی علامه شهید واعظ<sup>(ره)</sup> در مسجد محمدیه تپه سلام کابل، حدود ۳۷ سال قبل (۱۳۵۷ خورشید) تحت عنوان: «مسئولیت علما در قبال دین و مردم».
۶. مصاحبه اختصاصی نگارنده با حجت الاسلام والمسلمین سید ناظر حسین ابوالهادی.
۷. مدرسه علمیه محمدیه در سال ۱۳۴۵ و مسجد محمدیه در جوزا سال ۱۳۴۷ خورشیدی تاسیس گردید.
۸. مصاحبه اختصاصی نگارنده با حجت الاسلام والمسلمین سید ناظر حسین ابوالهادی، بتاريخ ۱۰ جدی ۱۳۹۳ خورشیدی.
۹. برگرفته از مقدمه کتاب سیف الاسلام.
۱۰. شماره یک نشریه‌ی مجموعه ای نور (سخنرانی علامه شهید واعظ<sup>(ره)</sup>) در رابطه با عدالت اجتماعی).



۱۱. بخش از سخنرانی علامه شهید واعظ<sup>(ره)</sup> راجع به مقام و جایگاه زن در اسلام (دهه پنجاه هجری شمسی).
۱۲. روزنامه پامیر، نشریه شهرداری کابل، شماره ۲۲۳ حوت، ۱۳۸۵ خورشیدی.
۱۳. شهدای نخبه و مرزبانان اندیشه، ج ۱، ص ۶۶، سید جعفر عادل «حسینی».
۱۴. مصاحبه اختصاصی نگارنده با حجت الاسلام سید حسین واعظ زاده، فرزند علامه شهید واعظ<sup>(ره)</sup>.
۱۵. مصاحبه اختصاصی نگارنده با حضرت آیت الله العظمی محسنی (دام ظلّه العالی).
۱۶. تقریظ حضرت آیت الله العظمی خویی<sup>(ره)</sup> بر کتاب «مصباح الاصول»، سید محمد سرور واعظ بهسودی.
۱۷. مصاحبه اختصاصی نگارنده با حضرت آیت الله العظمی محسنی (دام ظلّه العالی).
۱۸. گنجینه دانشمندان، ج ۲، ص ۲۷۸، محمد هادی امینی.
۱۹. آیت الله محقق اصلاتا از قوم دامرده کجاب بهسود می باشد، وی بعد از وفات پدرش، حدود چهار سال از عمرش نمی گذشت، همراه مادرش به ترکمن هجرت نموده و تا قبل از سفر به کابل و نجف اشرف در منطقه ترکمن ولایت پروان ساکن بودند.
۲۰. این اظهارات حضرت آیت الله العظمی محقق کابلی، بتاريخ ۱۳۷۴/۷/۱۴ خورشیدی، در دیدار شورای تصمیم گیری مجمع فرهنگی بقیه الله<sup>(عج)</sup> مقیم قم با ایشان در پاسخ پرسش سوالات اعضای

مجمع نامبرده راجع به جایگاه علمای گذشته مطرح و ایشان در این جمع تاکید فرمودند که علمای گذشته خدمات بسیاری را انجام داده اند و آنها ضامن بقای تشیع در افغانستان گردیدند و همواره از این وظیفه امر به معروف و نهی از منکر دوری نکردند وی با ذکر نام حضرات آیا عظام؛ حجت کابلی، واعظ بهسودی، زریافته، شیخ عزیزالله غزنوی، حاج آخوند کوه بیرونی، شیخ محمد امین افشار، شیخ عیسی بامیانی .... یاد آوری نموده و خدمات آنها را چشمگیر خواندند و اضافه نمودند که من افتخار شاگردی آیت الله سید محمد سرور واعظ بهسودی را دارم، دروس مقدماتی در ترکمن و نیز قوانین، رسائل و مکاسب را در نجف اشرف از محضر ایشان تلمذ و از فیوضات علمی ایشان بهره مند شدم.

گزارش فوق به نقل از فصلنامه قلم، مجمع فرهنگی بقیه الله (عج)، سال اول، شماره دوم، ماههای میزان، عقرب و قوس (فصل پائیز) ۱۳۷۴ خورشیدی، زیر نظر جمعی از طلاب و دانشجویان افغانستان.

۲۱. مصاحبه اختصاصی نگارنده با حجج اسلام؛ سید ناظر حسین ابوالهادی و مرحوم سید غضنفر شاه تقدسی<sup>(ره)</sup> همچنین در این مصاحبه ابوالهادی افزود: به گفته بزرگان دامرده کجاب، آیت الله محقق دوسال از عمرش می گذشت که از نعمت پدر محروم، پس از آن همراه مادرش به ترکمن رفته، مادرش ازدواج و حضرت آیت الله محقق پس از آن تحت تربیت مرحوم میرزاعلی قرار می گیرد.

۲۲. حجت الاسلام ابوالهادی در مصاحبه اختصاصی با نگارنده افزودند: وقتی که من در سال ۱۳۸۲ خورشیدی پس از سقوط رژیم حزب بعث به

عبات عالیات عراق مشرف شدم، خدمت حضرت آیت الله العظمی فیاض رسیدم و خاطره سال ۱۳۴۷ خورشیدی را یاد آوری نمودم و معظم له نیز تایید فرمودند که من با مشوره شهید آیت الله واعظ به نجف اشرف مشرف شدم.

۲۳. گنجینه دانشمندان، ج ۶، ص ۲۲۹، محمدشریف رازی .

۲۴. سخنرانی علامه شهید بلخی<sup>(ره)</sup> در سالروز میلاد پیامبر گرامی اسلام<sup>(ص)</sup> بمناسبت افتتاح مسجد محمدیه تپه سلام کابل، پنج شنبه ۱۷ ربیع الاول ۱۳۸۸ هجری قمری، برابر ۲۳ جوزا ۱۳۴۷ خورشیدی.

۲۵. سخنرانی مولانا شهید خان مولوی<sup>(ره)</sup> در سالروز میلاد پیامبر گرامی اسلام<sup>(ص)</sup> بمناسبت افتتاح مسجد محمدیه تپه سلام کابل، پنج شنبه ۱۷ ربیع الاول ۱۳۸۸ هجری قمری، برابر ۲۳ جوزا ۱۳۴۷ خورشیدی.

۲۶. اظهارات حضرت آیت الله صالحی مدرس در مصاحبه ای اختصاصی با نگارنده .

۲۷. مصاحبه اختصاصی نگارنده با حجت الاسلام والمسلمین شیخ نادر علی مهدوی شهرستانی.

۲۸. مصاحبه اختصاصی نگارنده با حجت الاسلام والمسلمین شیخ محمد ایوب شریفی پنجابی.

۲۹. مصاحبه ای نگارنده با حجت الاسلام سید امیر حسین جوادی بتاریخ ۹ جدی ۱۳۷۳ خورشیدی.

۳۰. آقای جاوید، پس از تاسیس حزب حرکت اسلامی به عنوان قائم مقام رهبری و رئیس شورای مرکزی این حزب فعالیت های فرهنگی و سیاسی

را آغاز و در ماه دلو ۱۳۸۳ با استعفای آیت الله محسنی از رهبری، آقای جاوید به رهبری حزب انتخاب گردید و با روی کار آمدن حکومت مجاهدین او به حیث وزیر پلان، ریاست «کمیسیون تثبیت سویه علمای دینی» و معاون صدر اعظم و وظیفه انجام داد. وی بعد از سقوط طالبان، در سال ۱۳۸۰ به عنوان رییس کمیسیون انتقال قدرت تعیین گردید که در طی مراسمی قدرت را از شهید ربانی به آقای کرزی منتقل نمود و به عنوان وزیر مشاور و نیز وزیر ترانسپورت در حکومت انتقالی و پس از آن نماینده مردم ولایت بلخ در شورای ملی ایفای وظیفه نموده است.

۳۱. مصاحبه اختصاصی نگارنده با حجت الاسلام والمسلمین دکتر سید محمدعلی جاوید.

۳۲. مجلس دوره سیزدهم خیلی سرنوشت ساز و مهم بود، در این دوره از مجلس شورای ملی دو صدر اعظم (نور احمد اعتمادی و دکتر ظاهر) صلب اعتماد شدند و با آنکه در این دوره مجلس تعداد نمایندگان تشیع اندک بود ولی آنها تاثیرگذار و نقش برجسته‌ی را ایفا می کردند. همچنین مرحوم یاری، وزیر صنایع خفیفه و مواد غذایی حکومت مجاهدین و عضو لویه جرگه اضطراری ... و از اعضای تاثیرگذار جبهه ملی نجات در دوران جهاد افغانستان و از شاگردان مرحوم آیت الله شیخ خادم حسین کوه بیرون، حاج آخوند زریافته، شیخ محمدعلی جان و شیخ کبیر بود و مدتی در حوزه علمیه نجف اشرف نیز حضور داشت و از مخلصین و ارادتمندان حضرت آیت الله العظمی شهید واعظ<sup>(ره)</sup> بود.

۳۳. مصاحبه اختصاصی نگارنده با مرحوم سناتور حاج سلیمان یاری.
۳۴. بخش از سخنرانی استاد مرتضوی، در دومین سمینار بررسی اندیشه های مرزبانان اسلامی افغانستان از سوی بنیاد فرهنگی، تبلیغی پیامبر اعظم<sup>(ص)</sup> بتاريخ ۲۶ حوت ۱۳۸۹ خورشیدی در مسجد حوزه عملیه محمدیه (حضرت آیت الله العظمی شهید واعظ<sup>(ره)</sup>) واقع تپه سلام کابل.
۳۵. بخش از سخنرانی استاد ناصری، در سومین سمینار بررسی اندیشه های مرزبانان اسلامی از سوی بنیاد فرهنگی، تبلیغی پیامبر اعظم<sup>(ص)</sup> در مسجد محمدیه (حضرت آیت الله العظمی شهید واعظ<sup>(ره)</sup>) واقع تپه سلام کابل بتاريخ ۱۱ حوت ۱۳۹۰ خورشیدی.
۳۶. به گفته حاج براتعلی رضایی: حدود ۶۶ سال قبل شهید آیت الله واعظ<sup>(ره)</sup> همراه پسرعمویش مرحوم سید مبین مشهور به حاج آقای آخوند پدر حضرت آیت الله مصطفوی از بهسود جهت تحصیل به کابل نزد مرحوم آیت الله حجت<sup>(ره)</sup> آمده بودند، ابتدا در سرایی واقع منطقه شور بازار اطاق گرفته بودند ولی مرحوم حاج رضا پدرم راضی نشدند که آنان در آنجا بماند و مرحوم پدرم، مدتی را بعنوان محصل دینی در منزل شخصی اش خدمت آنها را نمودند.
۳۷. مصاحبه اختصاصی نگارنده با حاج براتعلی رضایی.
۳۸. سوره نحل، آیه ۱۲۵.
۳۹. پس از استعفای داود خان از مقام صدارت و روی کار آمدن دکتر یوسف، شهید آیت الله واعظ، شهید علامه بلخی، شهید بینش، مرحوم ابراهیم بیچه ای گاو سوار و... از زندان آزاد گردیدند.

۴۰. برگزیده‌ی از مصاحبه آیت الله دکتر سید محمد کاظم مصطفوی، به نقل از فصلنامه‌ی آریانا، سال ۱۳۷۶ ه ش، ش ۱، ص ۴۴ و ۴۵.
۴۱. پیشین؛ فصلنامه آریانا، سال ۱۳۷۶ ه ش، ش ۱، ص ۴۶.
۴۲. کوثرالنبی (چاپ دوم)، ص ۴۳۲، سیدجعفرعادلی حسینی.
۴۳. از آنجاییکه علامه شهید واعظ<sup>(ره)</sup> در شرایط دشوار سناتور یاری را مساعدت و همکاری نموده بود، مخصوصاً در پیروزی ایشان بعنوان وکیل مردم بهسود در دوره سیزدهم شورای ملی، یاری، خود را مرهون و مدیون علامه شهید واعظ می دانست، ایشا در دوران وکالتش، روزانه گزارش کارکرد خویش را به حضرت آیت الله واعظ می داد و بر عکس لعل پور لغمانی، والی «میدان وردک» گزارش کار خود را به یاری می داد. وقتی که لیست دستگیری شخصیت های طراز اول افغانستان در اختیار حاج سلیمان یاری<sup>(ره)</sup> قرار می گیرد، این اقدام دولت وقت را وی به اطلاع علامه شهید واعظ<sup>(ره)</sup> نیز می رساند.
۴۴. مصاحبه اختصاصی نگارنده با دکتر سید جواد واعظ زاده، فرزند علامه شهید واعظ<sup>(ره)</sup>
۴۵. مصاحبه اختصاصی نگارنده با حاج براتعلی رضایی.
۴۶. اظهارات سیدعبدالعظیم هاشمی / شهدای نخبه و مرزبانان اندیشه، ج ۱، ص ۲۵۲، سید جعفرعادلی «حسینی».

درارتباط با شخصیت علمی، سیاسی، اجتماعی و افتخارات حضرت  
آیت الله العظمی واعظ قدس سره اشعار فراوانی گفته شده که ازباب  
نمونه توجه تان را به سروده از حجت الاسلام والمسلمین سید علی  
مرتضوی جلب می نمایم:

سر فراز ای سرو قامت سید والامقام  
سرور اهل قلم ای صاحب آثار و نام  
ای توئی زیبا نمای مسند کرسی وعظ  
بر فراز منبر نور، واعظ زیبا کلام  
ناشر دین مبین رهرو راه یقین  
رهنمای راستین رهنورد خوش خرام  
از تبار لوکشف هم قرت العین نجف  
آفتاب علم و عرفان خار برچشم لئام  
پرفروغ آن مشعل پر نور و مصباح هدا  
خفته گان را بانگ بیداری و بر امت امام  
زاهد شب زنده دار و عالم روشن ضمیر  
گوئی صبقت را ربودی از همه اقران تمام  
شهد شیرین شهادت باد نوشد ای شهید  
چونکه این راه حسین است رهروان را بردوام  
خُلق نیکوی تو هم زنجیر و زندان را شکست

قطره‌های خون پاکت داد بر مکتب قوام  
حق و باطق نور و ظلمت برجدالند روز و شب  
کفر و ایمان در نبردند سال و ماه و صبح و شام  
خوش نوا آن بلبلِ دستان سرای عشق حق  
بد نوا این بوم بد خو می پسندی تو کدام  
پاک باز و پارسا و پاک طینت پاک خو  
پیرو راه محمد در قعود و در قیام  
مدفن خورشیدیت گر گشت پنهان از نظر  
قدر تو معلوم چون مادر نزد خاص و عام

شعبان المعظم ۱۴۲۶ هجری قمری - اول میزان ۱۳۸۴ هجری شمسی



### شرح حال نویسنده:

حجت الاسلام والمسلمین سید جعفر عادل «حسینی» متولد ۱۳۴۹ خورشیدی و دارای لیسانس معارف اسلامی.

### مسئولیت‌ها:

مدیر مسئول فصلنامه قلم در سال ۱۳۶۸، رئیس مجمع فرهنگی بقیه الله (عج) از سال ۱۳۷۴ تا ۱۳۷۶، مدیر اجرایی فصلنامه مسیر در سال ۱۳۷۵، دبیر یادبود از مرزبانان اندیشه‌های اسلامی افغانستان در سال ۱۳۷۶، رئیس بنیاد فرهنگی مفاخر آریانا در سال ۱۳۷۸ سردبیر مجله فرهنگ توسعه در سال ۱۳۷۹، معاون ارشاد و تبلیغ ریاست سیاسی امنیت ملی افغانستان در سال ۱۳۸۲، رئیس نشرات شهرداری کابل و مدیر مسئول نشریه پامیر از سال ۱۳۸۵ تا ۱۳۸۷، معاون بنیاد فرهنگی، تبلیغی پیامبر اعظم (ص) و مدیر مسئول نشریه تبلیغ از سال ۱۳۸۷ تا ۱۳۹۱، معاون ریاست فرهنگی شورای اخوت اسلامی و مدیر مسئول مجله اخوت از سال ۱۳۸۶ تا ۱۳۸۷ و رئیس دارالانشاء شورای اخوت اسلامی افغانستان از نیمه اول سال ۱۳۸۷ تا هم اکنون و نیز رئیس فرهنگی و عضو شورای رهبری حزب حرکت اسلامی افغانستان از سال ۱۳۹۱ تا اکنون.

### فعالیت در مجموعه‌های فرهنگی و سیاسی:

عضو سازمان‌های اجتماعی انسجام ملی و رفاه افغانستان سال ۱۳۷۳، عضو و مشاور در مجمع فرهنگی افغانستان قلم سال ۱۳۷۹ عضو لجنه‌ی

فرهنگی مؤسسه امام هادی<sup>(ع)</sup> در سال ۱۳۸۱، عضو مرکز آموزشی و فرهنگی امام حسین<sup>(ع)</sup> ۱۳۸۶، عضو مؤسسه AHRF در سال ۱۳۸۲، عضو مؤسسه شورای اخوت اسلامی افغانستان از سال ۱۳۸۳ عضو شورای علماء شیعه افغانستان از سال ۱۳۸۴ عضو مؤسسه و معاون بنیاد فرهنگی، تبلیغی پیامبر اعظم<sup>(ص)</sup> از سال ۱۳۸۶ خورشیدی.

### تألیفات:

۱. طریق تربیت و خودسازی
۲. سیره سیاسی پیامبر اسلام<sup>(ص)</sup> و ائمه اطهار<sup>(ع)</sup>
۳. کوثرالنبی (پژوهشی در تاریخ سادات افغانستان)
۴. گلشن اندیشه و تفکر
۵. شهرداری کابل در چنبره مافیا
۶. شهریار دانا
۷. پارسایان پرتلاش
۸. امام حسین<sup>(ع)</sup> و اخوت اسلامی
۹. امام خمینی<sup>(ره)</sup> حقیقت همیشه زنده
۱۰. ارمغان منبر
۱۱. سفر در حریم عشاق
۱۲. نشانه‌ها (صفات و علامات مؤمنان در قرآن کریم)
۱۳. راهکارهای عملی اخوت اسلامی در افغانستان
۱۴. شهید مشتاق؛ چهره ممتاز جهاد

۱۵. سمینار بین المللی امام جعفر صادق<sup>(ع)</sup>
۱۶. آونگ از صلیب شکسته
۱۷. حضرت محمد<sup>(ص)</sup> پیامبر صلح و وحدت
۱۸. از کابل تا قدس
۱۹. نقش امام حسین<sup>(ع)</sup> در همبستگی و احیای تمدن اسلامی
۲۰. ۱۰۱ داستان پندآموز از زندگانی چهارده معصوم<sup>(ع)</sup>
۲۱. شهدای نُخبه و مرزبانان اندیشه (نگاهی بر حیات فکری و مبارزاتی ۵۷ شهید نُخبه‌ی افغانستان، طی سال‌های ۱۳۵۸-۱۳۵۷ خورشیدی)
۲۲. گلبرگ خاطره‌ها (خاطرات سه دهه زندگی - از جمهوریت تا جمهوری اسلامی افغانستان)
۲۳. حدود ۲۰۰ مقاله تحقیقی و سیاسی چاپ شده در مطبوعات داخلی و خارجی

### معرفی مجمع فرهنگی بقیة الله (عج)

اولین جلسه مجمع فرهنگی بقیة الله (عج) با حضور جوانان تبار امامزاده زاده سید یحیی مشهور به شاه قلندر، صبح جمعه (۱۵ ربیع الاول ۱۴۱۶ هـ ق برابر ۲۰ اسد ۱۳۷۴ هـ ش) در شهر مقدسه قم منزل حجت الاسلام سید جعفر عادل «حسینی» با اهداف شناخت و نشر فرهنگ اهل بیت عصمت و طهارت (ع) و توسل به خاندان رسالت، تأسیس و شب های چهارشنبه دعای توسل و صبح های جمعه دعای نُدبه بصورت دوره‌ای برگزار گردید.

حجت الاسلام آقای عادل «حسینی» سه دوره به عنوان رییس مجمع نامبرده از سوی اعضاء انتخاب شد. علاوه بر جلسات هفتگی و تجلیل از مناسبت های دینی و مذهبی با انتشار نشریه قلم و برنامه های متنوع، اولین جلسه اعلام موجودیت مجمع در نیمه شعبان ۱۴۱۶ هـ ق با حضور شخصیت های علمی و فرهنگی آغاز و در نخستین جلسه مجمع، آیت الله داکتر سید محمد کاظم مصطفوی درس اخلاق و حضرات آیات؛ مرحوم سید محمد تقی وحیدی (ره) و سید مهدی عالم و دیگر بزرگان با مطالب ارزشمند شان همکار نشریه قلم بودند.

همچنان از سال ۱۳۸۵ خورشیدی جمعی از جوانان در شهر کابل، تحت عنوان مجمع فرهنگی بقیة الله (عج) مراسم دعای نُدبه را با تمرین سخنرانی، انتشار مجله عصر انتظار، تجلیل از مناسبت های دینی، بیان احکام و نشر معارف اسلامی، هفته یکبار در یکی از منازل اعضاء برگزار و در این جلسات، مهم ترین اهداف مجمع در امور تربیتی و حراست از مرزهای

علامه شهیدواعظ؛ اسوه‌ی تقوا، علم، جهاد و سیاست / ۹۳

اعتقادی و حفظ دستاوردها و تبیین ارزش‌های دینی می‌باشد. امیدواریم با یاری پرودگار توانا بتوانیم در عصر انتظار، گامی مثبت و مؤثر در جهت زمینه‌سازی ظهور مهدی موعود<sup>(عج)</sup> برداریم.

سید عباس حسینی

مدیر مسئول هفته‌نامه عصر انتظار





